

پروستاریای جهان و خلق های ستمکش متحد شوید

توده

ارکان سازمان انقلابی حزب توده ایران و در خارج از کشور

در این شماره: جنبش کمونیستی ایران

- اوضاع ایران از جنبش تنباکو تا تشکیل حزب کمونیست
- سوسیال دموکراسی انقلابی در ایران
- حزب عدالت
- حزب کمونیست

به تجارب تاریخی توجه کنیم!

مائوتسه دون

دوره جدیدی از انقلاب جهانی پرولتاریا و خلق های ستمدیده و ملت های دربند آغاز گشته است، دوره ای که اضمحلال کامل امپریالیسم و پیروزی سراسری سوسیالیسم را نرید میدهد. رنگ های انقلاب در میهن ما نیز بصدا در می آیند و انقلابیون را برای بدوش گرفتن وظائف مهم جدیدی فرا می خوانند. جنبش نوین کمونیستی ایران برای رشد و استحکام ایدئولوژیک، سیاسی و تشکیلاتی خود باید در سه زمینه شناخت عمیق پیدا کند: ۱. دست یافتن هرچه بیشتر به تئوری عام مارکسیسم - لنینیسم - اندیشه مائوتسه دون، ۲. جمع بندی تاریخ گذشته بویژه مبارزات انقلابی خلق های ایران و درک عمیق از جنبش های علمی حال. شناخت عمیق از این مسائل در جریان مبارزه طبقاتی و تدریجا املان پذیر است. این سه منبع شناخت بطور فشرده ای بهم مرتبط اند و یکی را بدون دیگری نمیتوان بدستی شناخت. مطالعه گذشته با روشن مارکسیستی ما را در حل مسائل علمی جنبش انقلابی کونی میهنمان یاری خواهد داد. در حقیقت مطالعه گذشته بخاطر درک عمیق تر مسائل حال است. جمع بندی صحیح مارکسیستی - لنینیستی از مبارزات مردم ایران گامی در جهت تلفیق تئوری عام بر شرائط مشخص ایران است. نیروی عظیم مارکسیسم - لنینیسم - اندیشه مائوتسه دون درست در تلفیق آن با پراتیک مشخص انقلابی کشورها نهفته است.

از این دیدگاه است که ما این شماره "توده" را بیرونی گذشته بخش از جنبش کمونیستی ایران اختصاص داده ایم. این نوشته طبعاً دارای کمبود های زیادی است بدو علت: ۱. پائین بودن سطح درک ما از مارکسیسم - لنینیسم - اندیشه مائوتسه دون و درست نداشتن خیلی از مدارک و اطلاعات تاریخی، امیدواریم که این کار با مساعدت رفقا و انقلابیون دیگر در آینده تکمیل گردد.

تجارب تاریخی را هرگز نباید فراموش کرد. مطالعه گذشته در واقع همان مطالعه مبارزه میان دو خط مشی مبارزه خط مشی درست با نادرست در جنبش کمونیستی ایران است. با درک این مبارزات است که کمونیست های وفادار به مارکسیسم - لنینیسم - اندیشه مائوتسه دون و توده های خلق قادر اند مبارزه کونی را علیه امپریالیسم، روزیونیسم، معاصر و ارتجاع قاطعانه پیش ببرند.

مبارزه میان دو خط مشی از آغاز جنبش کمونیستی ایران تا کنون بر سر یک مسئله اساسی دور میزده است: مبارزه مسلحانه با ائکه بدهقانان، برقراری پایگاه های روستائی و در پیش گرفتن راه محاصره شهرها از طریق دهات یا راه مبارزات شهری و پارلمانی؟ هم اکنون نیز در جنبش انقلابی ایران مبارزه شدیدی بر سر این دو خط مشی درگیر است. وارشین و ادامه دهندگان واقعی متن انقلابی پرولتاریا و کمونیستهای ایرانی کسانی هستند که تحت پرچم سرخ مارکسیسم - لنینیسم - اندیشه مائوتسه دون یگانه راه پیروزی انقلاب ایران، راه انقلاب ارضی را با تکیه بدهقانان، بسیج توده ها برای مبارزه مسلحانه، ایجاد پایگاه های روستائی و محاصره شهرها از طریق دهات، مصمانه در پیش میگیرند.

اینست تنها مشی راستینی که مارکسیست - لنینیستها برای اجرای وظیفه مرکزی خود یعنی ایجاد حزب کمونیست باید قاطعانه در پیش گیرند.

جنبش کمونیستی ایران

اوضاع ایران از جنبش تنباکو تا تشکیل حزب کمونیست (۱۸۹۰ - ۱۹۲۰)

مقدمه :

ایران از اوایل قرن ۱۶ میلادی مورد هجوم کشورهای عربی واقع شد . با تسخیر حریره هرمز توسط پرتغالی ها (۱۵۰۷) راه نفوذ سرمایه های عرب به ایران باز گردید . شرکت های مختلف انگلیسی ، هلندی ، فرانسوی و روسی به تدریج امتیازات بزرگی در ایران بدست آوردند و در اواخر قرن نوزدهم تقریباً تمام تجارت و منابع درآمد ملی ما را تحت اختیار خود گرفتند .

سیستم فئودالی ایران که راه توسعه تولید و بسط تجارت و صنعت را سد میکرد ، جنگهای داخلی و خارجی مخصوص با ترکان و ازبک ها و بالاخره فساد درباریان و ستمگری شاهان ایران و فئودال ها روز به روز هرج و مرج را در داخل کشور زیاده نوده و راه را برای مداخلات استعمارگران غرب که به تدریج نفوذ خود را در ایران زیاده میکردند ، هموارمینمود . اقتصاد کالائی در بطن جامعه فئودالی ایران رشد یافته بود و هسته های اولیه سرمایه داری نیز بوجود آمده بود (مانوفاکتور) ولی هجوم سرمایه خارجی مانع آن شد که سرمایه های ملی ایران رشد طبیعی خود را انجام دهند و ایران تبدیل به یک کشور سرمایه داری شود . بلکه به علت تبدیل اقتصاد ایران به زائده ای از اقتصاد امپریالیست ها (در اوایل قرن بیستم) ، صورتبندی جامعه ایران از لحاظ اقتصادی و سیاسی دگرگون شد .

سرمایه داری ای که در ایران بوجود آمد بیشتر جنبه تجاری داشت که از طریق صدور فرآورده های داخلی و فروش محصولات خارجی در ایران میزیست . لذا از یک طرف وابسته به فئودالیسم و از طرف دیگر وابسته به سرمایه داری خارجی بود . در اثر شکست تجارت و صنعت ایران در رقابت با محصولات و تجارت خارجی ، سرمایه داران ایران ترجیح میدادند سرمایه پولی خود را صرف خرید زمین های زراعی ، شرکت در بازرگانی محصولات کشاورزی ، بازرگانی کالاهای خارجی و دادن وام به تولید کنندگان کوچک و خان ها نمایند . بدین سان آنها تدریجاً اشتراک منافع وسیعی با زمین داران و شیوه استثمار آنان پیدا کردند و راه هم زیستی را با شیوه تولید فئودالی در پیش گرفتند . در چارچوب این نظام بیه مستعمره - نیمه فئودالی بود که سرمایه بازرگانی و سرمایه ربائی رشد کردند .

در عین حال تحت تأثیر سرمایه داری خارجی و شکافی که در بنای اقتصاد فئودالی ایران بوجود آمده بود ، عده ای کم کم در صنایع جدید سرمایه گذاری میکردند . بورژوازی ملی جوان که از میان تاجران ، مالکان و کارمندان دولتی بوجود آمد ، در برابر رقابت سرمایه گذاری خارجی تاب مقاومت نداشت و دچار ورشستگی میگردد .

هم زمان با بوجود آمدن بورژوازی (وابسته به امپریالیسم و ملی) پارتیاریای ایران نیز از صفوف دهقانان و پیشه وران پدیدار گشت . آهنگ رشد این صبه با رشد سرمایه داری ملی از یک سو و رشد سرمایه داری وابسته از سوی دیگر ارتباط داشت .

نفوذ سرمایه امپریالیستی در ایران با وجود آن که رشد سرمایه داری ملی را سد میکرد و به رشد سرمایه داری سبب رشد وابسته به امپریالیسم کمک مینمود ، ولی در تسریع رشد صبه کارگری تأثیر نمود . طبقه کارگر ایران که تحت استثمار سه لایه ای بورژوازی ، امپریالیسم و فئودالیسم قرار داشت به علت ضعف کمی ، نداشتن آگاهی سیاسی و تشکل انفرادی ، هنوز به صورت نیروی مهمی در صحنه اجتماعی ایران در نیامده بود .

بورژوازی ملی و کارگران که از بطن جامعه فئودالی ایران در اثر رشد وسائل تولیدی بوجود آمده بودند ، طبقات جدیدی بودند که سیستم عقب افتاده فئودالی و رژیم حاکم ایران را که نماینده فئودالیسم و امپریالیسم بود ، مانعی در راه رشد خود میدیدند .

خرده بورژوازی ایران نه از پهنه وراں ، ناسبت نارای ، صنعتگران ، روشنفکران و روحانیون شنید میبند ، مورد مبالغه هم
مراوانی بود و قانونی برای حمایت از آن وجود نداشت . در میان روحانیون و روشنفکران عده " معدودی به علت قدرت
مادی ، امتیازات و قرار گرفتن در دستگاه حاکمه با منحصص سازش میکردند . ولی قسمت اعظم آنها با توده های فقیر
شهری و با دهقانان مرفه و متاعه حال در ده پیوند برپا داشتند .

دهقانان که اکثریت مطلق افراد جامعه را تشکیل میدادند تحت استثمار و ستم شدید فئودال ها و حکومت استبدادی بودند
زمین داران از طریق بهره مانگانه ، سوریات ، بیگاری و . . . و مأمورین حکومتی با گرفتن مالیات های گوناگون ، تحت
عناوین مختلف ، دارائی با جیر دهقانان را به غارت میکردند . آنها به علاوه از نظر سیاسی و با استفاده از روش های
فئودالی دهقانان را مورد انواع ستم ، اذیت و تجاوز به حقوق اولیه آنان ، قرار میدادند . دهقانان نیروی انسانی
عظیمی بودند که در جامعه فئودالی ایران نیروی محرکه واقعی تکامل تاریخ را تشکیل میدادند . هر انقلاب آتی بدون
شرکت فعال آنها غیر ممکن بود .

از نظر خارجی رقابت بین قدرت های بزرگ برای به دست گرفتن اقتصاد ایران و اعمال نفوذ سیاسی و به دست آوردن انواع
امتیازات از سیمه دوم قرن نوزدهم بعد به طور عمده به کشمکش بین روسیه ، تزاری و انگلیس در ایران منتهی میشد .
حکومت استبدادی ایران و هسته مرکزی آن دربار سلطنتی به ابزاری در دست این دو استعمارگر
جهت عارت هرچه بیشتر منابع ملی تبدیل شد . استعمارگران از طریق فشارهای اقتصادی - سیاسی و نظامی دربار را
وادار به تسلیم میکردند . امتیازات گوناگونی که به انحصار های سرمایه داری خارجی داده میشد ، اقتصاد ملی را فلج
میکرد . زیرا تقریباً تمام منابع و بازار ایران به دست آنها میافتاد . سرمایه های خارجی به روشنگر مولد و وام (غیر مولد)
به ایران صادر میشد . سرمایه و امپریالیزم مربوط به دولت بود که وضع مالی اسفناکی داشت و با دریافت وامها امتیازات و منابع
درآمد مهمی نظیر گمرکات ، معادن و راه ها ، خطوط ارتباطی تلگراف و تلگراف و غیره را به بیگانگان واگذار میکرد . سرمایه
مولد خارجی در تولید مواد خام و رشته هایی که درآمد بیشتری داشت فعالیت میکرد . در این زمینه رشد صنعت نفت
و تولید مواد خام صنعتی برای بازار جهانی سرمایه داری اهمیت اساسی کسب نمود و به پایه ای رسید که با رشد اقتصاد
کشور و نیروهای مولده صنعتی داخلی هیچگونه تناسبی نداشت .

بدین ترتیب پوسیدگی رژیم فئودالی و استثمار و سرکوب بیرحمانه توده ها بویژه دهقانان باعث نا رضایتی و رشد مقاومت
روز افزون آنها میشد . دولت های خارجی با تکیه به فئودال ها پایگاه مطمئنی برای نفوذ در ایران یافتند و فئودال ها
با تکیه به نفوذ سیاسی ، اقتصادی و نظامی دول خارجی حامیان نیرومندی برای نجات خود از خطر انهدام قطعی
پیدا کردند .

بدین ترتیب در بین مجموعه تضادهای داخلی کشور ، تضاد بین بورژوازی ملی ، خرده بورژوازی ، دهقانان و کارگران
با فئودالیسم و بورژوازی وابسته به امپریالیسم که دربار نمایند " آنها بود از یک سو ، و تضاد بین خلق و امپریالیسم روس
و انگلیس از سوی دیگر دو تضاد اساسی جامعه ما را تشکیل میداد . این تضاد ها هر روز شدید تر میشدند و در اواخر
قرن نوزدهم به مرحله حادی رسیدند . رشد آتی جامعه ایران به جامعه ای دیکراتیک و حرکت آن به سوسیالیسم
بستگی به حل این دو تضاد داشت . حل نهائی این دو تضاد نیز به آن مربوط بود که کدام یک از چهار طبقه انقلابی
فوق الذکر رهبری سایر نیروهای انقلابی را به عهده خواهد گرفت . چنانکه بعداً خواهیم دید رهبری این مبارزات بسط
علت این که در مراحل مختلف در دست بورژوازی ملی و یا خرده بورژوازی قرار گرفت عملاً این دو تضاد اساسی حل نشدند
و انقلاب مشروطیت و جنبش های بعدی نا تمام ماندند و با شکست روبرو شدند .

جنبش تنباکسو

اولین برخورد بین نیروهای ملی به رهبری بورژوازی ملی با حکومت استبدادی و امپریالیسم که به پیروزی بورژوازی ملی
منتهی شد ، با امضا قرار داد و اعطاء امتیاز دخانیات به یک شرکت انگلیسی در ۲۱ مارس ۱۸۹۰ آغاز گردید . از ۲۲ ماه
مه ۱۸۹۱ موج اعتراض مردم علیه این قرار داد بلند شد . در اکثر شهرهای ایران تظاهرات و زد و خورد هایی بین
سربوهای دولتی رخ داد . اعلای تبریز به شاه تلگراف فرستادند و اعلام کردند که قصد دارند از حقوق خود منحصصه
دفاع کنند . در اصفهان یکی از حاکم عمده ، تنباکوی خود را که به دستور علی السلطان نماینده رژیم سیاست بسط
کاشانگان کمپانی انگلیسی تحویل بدهد ، یکجا آتش زد . مخالفت حاج شیخ محمد تقی حقی در اصفهان ، دستسور
مقاومت صبی از صرف وی ، حمایت دولتی از بزرگ برون محتمل ، حاج میرزا محمد حسن محسن شیرازی مفیم سامسره

و حاج میرزا حسن آشتیانی و بالاخره تحریم استعمال دخانیات از طرف محشده سامره ، در اوائل ژانویه ۱۸۹۲ اعتصاب عمومی در سراسر کشور را دامن زد . در تهران تظاهرات شدیدی رخ داد و مردم به قصر شاه حمله کردند و در نتیجه تیراندازی سربازان تلفات سنگینی به مردم وارد آمد . رهبری این جنبش در دست بورژوازی ملی بود که بر ضد سرمایه خارجی و وطن فروشی شاه و اطرافیانش برای گرفتن امتیازات برخاسته بود و توانست روحانیون و قشرهای وسیعی از شهر نشینان را به این جنبش بکشد . بدین ترتیب بعد از دو سال مبارزه ناصرالدین شاه در ۲۶ ژانویه ۱۸۹۲ در اثر فشار مردم مجبور شد این قرار داد را لغو کند .

این اولین موفقیت مردم ایران در مبارزه علیه دربار و امپریالیسم بود . ضربه ای که به سیاست انگلیس در ایران وارد شده بود دربار را مجبور ساخت که برای حفظ موقعیت خود به دولت روسیه تزاری متوسل شود . از آن زمان به بعد نفوذ و تسلط روسیه تزاری در دربار و در سراسر ایران روز به روز افزایش یافت .

انقلاب مشروطیت

مبارزه بورژوازی ملی برای به دست آوردن آزادی و قانونی که بتواند از او حمایت کند و منافعی را تأمین نماید ، ادامه پیدا کرد . بورژوازی ملی از نارضایتی هائیکه موجود بود استفاده کرد و جنبشی که علاوه بر خودش روحانیون و روشنفکران به طور فعال در رهبری آن شرکت داشتند ، برای به دست آوردن آزادی و مشروطه بوجود آورد . او حربه بورژوازی شهری را نیز در این مبارزه به دنبال خود کشاند . به تدریج که جنبش وسیع تر و عمیق تر میشد چنان که بعدا خواهیم دید ، جناح های مختلفی در آن به وجود آمد .

مقاومت دربار در مقابل این خواست ها منجر به این شد که چهار سال بعد از به هم خوردن قرار داد تنباکو ناصرالدین شاه که حدود نیم قرن بر مردم ستم کرده بود ، ترور شد . مظفرالدین شاه به کمک و پشتیبانی مشترک دولت های روسیه و انگلستان در ۱۸۹۶ به تخت سلطنت نشست . چپاول و غارت منابع ملی ما و دخالت آشکار در کلیه امور سیاسی و اقتصادی توسط این دو کشور امپریالیستی در زمان سلطنت مظفرالدین شاه به حد کمال رسید . برای نشان دادن این غارت ما به ذکر چند مثال اکتفا میکنیم .

— با دولت روسیه : در سال ۱۸۹۹ موافقت نامه ای با روسها امضاء شد که طبق آن بدون رضایت روسها دولت ایران حق نداشت به خارجی ها امتیاز ایجاد راه آهن را واگذار کند . در سال ۱۹۰۰ ، ۲۲ میلیون روبل با تنزیل ۵٪ از دولت روسیه گرفته شد و کمالات شمال به آنها واگذار گردید . در سال ۱۹۰۲ ، ۱۰ میلیون روبل دیگر از دولت روسیه قرض گرفته شد و در ازای این قرضه دولت ایران باز هم بیشتر به دولت تزاری وابسته شد . کنترل انحصار قند ، کبریت و پاره ای دیگر از لوازمات زندگی مردم به روسها واگذار شد . واردات ایران از روسیه بین سال ۱۹۰۰ تا ۱۹۱۰ به سه برابر افزایش یافت . — با دولت انگلستان : حق انحصاری ساختمان راه آهن و بهره برداری از منابع زیر زمینی به مدت ۷۰ سال و اداره گمرکات به مدت ۲۰ سال که به بارون روستو در ۲۵ ژوئیه ۱۸۷۲ داده شده بود به قوت خود باقی ماند . در ۲۸ مه ۱۹۰۱ در مقابل دریافت ۲۰ هزار لیره انگلیسی مظفرالدین شاه امتیاز نفت را به داری فروخت .

در سال ۱۸۹۹ نوز بلژیکی با دو نفر دیگر برای کار در گمرکات وارد ایران شدند . نوز در بهمن ۱۲۸۲ (۱۹۰۲) بیمه گمرکی و تعرفه جدیدی با روسها بست که کاملاً به زیان ایران بود . بد رفتاری او با بازرگانان و فشار مالیات جی ها باعث شد که نارضایتی و مبارزه علیه دستگاه استبدادی روز بروز افزون تر گردد . درخواست بنیاد " عدالتخانه " در همه جای ایران " روان گردانیدن قانون اسلام به همگی مردم کشور " ، " برداشتن میونوز از سر گمرک و مالیه " ، " بسط داشتن علاء الدوله از حکمرانی تهران " ، " کم نکردن تومانی دهشاهی از مواجب و مستمری " از جمله درخواست هائی بودند که به دنبال این مبارزات از شاه خواسته شدند .

به این ترتیب ملاحظه میشود که خواست بورژوازی ملی ایران از چارچوب محدود آزادی عمل او تجاوز نمیکرد . بازرگانان خواستار ایجاد بانک و امنیت برای بسط تجارت بودند . به طوری که در سال ۱۹۰۶ از جمله تقاضاهائی که از شاه داشتند ، تضمین برای ایجاد بانک ملی بود .

مظفرالدین شاه در اثر مبارزات چندین ساله مردم در ۴ اوت ۱۹۰۶ دستخط مشروطیت را امضاء کرد و چند ماه پسر از اعلان مشروطیت در ۲ ژانویه ۱۹۰۷ مرد . گرچه اعلان مشروطیت تغییری در وضع قدرت حاکمه به وجود نییاورد مع الوصف قدرت شاه را با بودن مجلس تا حدی محدود ساخت . محمد علیشاه که دست نشانده روسها و دشمن

دمکراسی بود، برای از بین بردن مشروطیت دست به کار شد و علی اصغر اتابک را که یکی از مرتجعین فئودال و از دشمنان سوکند خورده مردم بود به صدر اعظمی خود انتخاب نمود. او همچنین توسط فرماندهان روسی و تحت فرمان آنها نیروی قزاق را جهت حفظ سلطنت خود و سرکوب کردن مشروطیت تجهیز کرد. اتابک نیز با عده ای از روحانیون مرتجع نقشه از بین بردن مجلس را ریخت.

در ۳۱ اوت ۱۹۰۷ استعمارگران روس و انگلیس که بر تمام شئون سیاسی و اقتصادی ایران دست یافته بودند، قرارداد ننگین تقسیم ایران را به دو منطقه نفوذ خود امضا کردند. طبق این قرارداد شمال ایران از خراسان تا آذربایجان تحت کنترل روسها بود و جنوب در اختیار انگلیس ها. برای این که تصادمی بین آنها به وجود نیاید قسمت مرکزی ایران را بی طرف اعلام کردند ولی بعداً روسها موافقت کردند که مرکز ایران نیز تحت نفوذ انگلیس ها قرار گیرد. این قرارداد در ۲۴ سپتامبر ۱۹۰۷ به دولت ایران اعلام شد.

واکنش نمایندگان مجلس در دوره اول علیه حکمرانان مستبد، تصویب مسئول بودن هیئت وزیران در برابر مجلس، بر کار ساختن مسیونر و هم کارانش از گمرکات، مخالفت با گرفتن قرضه ها و بالاخره مخالفت با قرارداد ننگین ۱۹۰۷ از جمله مسائلی بودند که با مخالفت و خشم شدید دربار روبرو شدند. محمد علیشاه به پشت کمری مرتجعین و تیسروی قزاق دست به کار شد ولی اولین کوشش او در از بین بردن مجلس با شکست مواجه شد. زیرا تظاهرات شدیدی در تهران تبریز و سایر شهرهای ایران به وقوع پیوست و عده زیادی آمادگی خود را برای دفاع از مشروطیت اعلام داشتند و علی اصغر اتابک نیز توسط آزادی خواهان ترور شد. محمد علیشاه برای دومین بار در ۲۲ ژوئن ۱۹۰۸ (۲ تیر ۱۲۸۷) تحت فرماندهی لیاخوف جلاد تزاری مجلس را به توپ بست و پس از جنگ چند ساعته که طی آن عده ای از آزادی خواهان از مجلس دفاع میکردند، نیروهای قزاق موقتاً بر اوضاع چیره شدند. عده زیادی از فعالین انقلاب مشروطیت و از جمله ملک المتکلمین به دست جلادان شاه افتادند و اکثر آنها در زیر شکنجه و تخیمان باغشاه جان دادند و یا اعدام شدند. شاه یک سال با خود کامکی و بدون وجود مجلس شورا سلطنت کرد ولی مبارزه مردم ایران قطع نشد.

وجود بورژوازی تجاری قوی از یک طرف و تأثیر افکار سوسیال دمکراسی از طرف دیگر زمینه مساعدی برای رشد مقاومت و مبارزه علیه حکومت استبدادی در آذربایجان فراهم ساخته بود. وجود این عوامل باعث شد که تبریز در سال های ۱۹۰۸ - ۱۹۰۹ به مرکز مقاومت انقلابیون تبدیل گردد. مبارزه تبریز علیه استبداد و استعمار هر روز فاطح تر میشد. انجمن تبریز که در ابتدا در دست عناصر سازشکار بورژوازی ملی قرار داشت کم کم به دست خرده بورژوازی انقلابی افتاد و افراد فعال و آگاه سوسیال دمکرات در تبریز به رهبری علی مسیو توانستند به کارهای انجمن سمت انقلابی دهند. اولین گروه فدائی مسلح به رهبری سنارخان که خود از میان خرده بورژوازی برخاسته بود به وجود آمد. این هسته های انقلابی در شرائطی تشکیل میشدند که از یک طرف در تمام شئون سیاسی، اقتصادی و اجتماعی کشور وضع نا موزون و نا بسامانی به وجود آمده، خیانت به منافع ملی در هیئت حاکمه ایران به سرکردگی دربار به حد اعلا رسیده و تزلزل بی نظیری رژیم حاکمه را فرا گرفته بود. از طرف دیگر خلق آذربایجان که ماهیت ارتجاعی هیئت حاکمه و در رأس آن محمد علیشاه را به خوبی میشناخت، به درستی دریافته بود که ادامه مبارزات سیاسی جز از طریق مبارزات مسلحانه امکان پذیر نیست. توده های مردم راه مبارزه مسلحانه را در پیش گرفتند و در آذربایجان مردم شهر نشین از همان آغاز و دهقانان به تدریج در انقلاب شرکت میکردند ولی شعارها و خواست های انقلابیون همان شعارهای بورژوازی ملی بود، یعنی به دست آوردن آزادی از طریق ایجاد مجلس و برقراری مشروطیت.

بدین ترتیب مبارزه مسلحانه از یک نقطه شروع شد. انقلابیون بعد از گذراندن دوره سخت مرحله دفاعی و محاصره یازده ماهه تبریز توسط قوای محمد علیشاه، توانستند در مقابل نیروهای ارتجاعی ایستادگی کنند و با تکیه به توده های خلق نیروهای ارتجاعی را شکست داده و دامنه انقلاب را در سایر مناطق آذربایجان گسترش دهند. مقاومت قهرمانانه خلق آذربایجان در برابر ارتجاع و پیروزی هائی که به دست آورده بود پوشالی بودن قدرت دولتی را نشان داد و کمک مؤثری به اوج گیری نهضت در سایر نقاط ایران بخصوص گیلان و اصفهان کرد. ولی رهبری جنبش در تمام این مناطق در دست عناصر انقلابی نبود و قبل از این که قوای مسلح انقلابی به رهبری سنارخان و باقرخان از آذربایجان به تهران برسند قوای صمصام السلطنه بختیاری از اصفهان و سردار اسعد از رشت به تهران رسیدند. این افراد که از خوانین بزرگ و فئودال های بزرگ ایران بودند با امپریالیست های انگلیس و روس ارتباط داشتند و جناح سازشکار انقلاب را تشکیل میدادند. در ۱۲ ژوئیه ۱۹۰۹ تهران به دست این اشخاص فتح شد و محمد علیشاه به سفارت روسیه

بهاخته گردید .

موقعی که تبریز فرمانده مقاومت مکرر ، روسها به بهانه 'حفظ جان اتباع خارجی و جلوگیری از غارت اموال آنها' تیریس و بعدا مشهد و انزلی (بندر پهلوی فعلی) را اشغال کردند و تمام شمال ایران را تحت کنترل خود درآوردند . انگلیس ها نیز در شیراز و اصفهان و سایر مناطق جنوبی ایران لشکر پیاده کردند .

انقلاب مشروطیت کرجه باعث از بین رفتن استبداد محمد علی شاهی گردید و ضربه ای به رژیم کهن فئودالی وارد ساخت ولی نفوذ استعمارگران و تسلط نمایندگان فئودال ها و بورژوا کپرادورها همچنان پا برجا ماند . عناصر راست بورژوازی و فئودال ها با امپریالیست ها سازش کردند و قدرت سیاسی را به دست گرفتند . بورژوازی ملی و سایر انقلابیون نتوانستند قدرت حاکمه را به دست خود گیرند . علت این ناکامی را باید از یک طرف در ضعف بورژوازی ملی و عدم فاطمیست او در برابر ارتجاع و امپریالیسم ، محدود بودن دید سیاسی انقلابیون و متشکل نبودن آنها و بالاخره ضعف پرولتاریای ایران از نظر آگاهی سیاسی و تشکل حزبی و از طرف دیگر در دخالت های آشکار استعمارگران روس و انگلیس دانست . در این جریان انقلابی دهقانان ، که نیروی واقعی تحول در جامعه ما را تشکیل میدادند ، به مبارزه کشیده نشدند و دامنه مبارزه مشروطه خواهی به طور عمده از شهر ها بیرون نرفت . (در مبارزه برای بر انداختن فئودالیسم بدون شرکت فعال دهقانان ، بدون مسلح کردن توده های ملیونی دهقانی نمیتوان امیدی به پیروزی داشت ، همچنان که انقلاب مشروطیت مبین ما این درس بزرگ را به ما آموخت) . شکست انقلاب مشروطیت همچنان نشان داد که بورژوازی ملی ایران آن چنان طبقه ای نیست که بتواند اکثریت توده های زحمتکش را به دنبال خود بکشد و آنها را در انقلاب رهبری کند .

در سر دیگری که انقلاب مشروطیت را در این بود که طبقات حاکمه (فئودال ها ، کپرادورها ، بوروکرات های اداری و نظامی) پس از نابود ساختن دست آورد های خلق ، در شکل ظاهری مشروطیت را حفظ کردند ولی در حقیقت راه ورسم سابق سلاطین مستبد و خونخوار را در پیش گرفتند و عملا حکومت فئودال ها را برقرار ساختند و با امپریالیسم برای حفظ موقعیت اجتماعی خود از در دوستی و همکاری در آمدند .

انقلاب مشروطیت این اصل اساسی مارکسیستی - لنینیستی را که " قدرت سیاسی از لوله تفک بیرون می آید " در عمل اثبات کرد ، نیزوهای انقلابی هرگاه بخواهند قدرت مسلح خود را تقویت کرده بودند ، توده های زحمتکش شهر و دهقانان را هرچه بیشتر به صفوف خود کشانده بودند و هیچ گاه حاضر نمی شدند حتی یک قبضه تفک خود را بر زمین بگذارند ، انقلاب مشروطیت حتما راه دیگری را می پیمود . تجربه انقلاب مشروطیت بما می آموزد که تنها از طریق مبارزه مسلحانه است که خلق قادر است نیروی مسلح ارتجاع را که مهمترین ابزار در ادامه تسلط استبدادی او می باشد ، نابود سازد و زمینه را برای صعود طبقات انقلابی به طبقات حاکم جامعه فراهم نماید .

بعد از شکست انقلاب مشروطیت بورژوازی ملی و خرده بورژوازی تا مدتی از طریق نمایندگان خود در مجلس علیه سیاست دولت ایران و سیاست های استعماری در ایران به مبارزه پرداختند ولی تعداد نمایندگان آنها در مجلس بجز در دوره اول بتدریج کم شد در حالیکه نمایندگان وابسته به فئودال ها و بوروکرات های اداری هر بار بیشتر و بیشتر سر از صندوق های انتخاباتی قید پیر شده درآوردند و صندلی های مجلس را پر کردند .

امپریالیست ها و هیئت حاکمه ایران برای از بین بردن هرگونه جنبش احتمالی به بهانه های مختلف از هر وسیله ای جهت از بین بردن آزادیخواهان و پیشبرد مقاصد شوم خود استفاده میکردند . فشار ، قتل و کشتار جمعی آزادیخواهان در دوران انقلاب مشروطیت بخصوص در شمال ایران که قشون روس مستقر بود روز بروز زیاد تر میشد . رهبران برجسته ای چون ستارخان و باقرخان طبق نقشه قبلی ارتجاع از میان برداشته شدند . شخصیت های دیگری نظیر علی صیو و سایر سوسیال دمکرات های تبریز بقتل رسیدند و جنایات زیادی برای ریشه کن ساختن آزادیخواهان در صفحات شمالی ایران صورت گرفت .

از طرف دیگر با وجودی که امپریالیسم آمریکا هنوز نتوانسته بود در ایران نفوذ و مداخله کند ، مع الوصف تضاد او با دو امپریالیسم روس و انگلیس بخاطر نفوذ در ایران به ویژه پس از کشف منابع نفتی تشدید میشد . روس ها و انگلیس ها مایل نبودند رقیب دیگری در ایران داشته باشند . تصمیم مجلس برای جلب مستشاران مالی آمریکا و آمدن هیئت نفوذی

به ریاست مورگان شوستر، که با کمپانی «مسی» «استاندارد اویل» مربوط بود، در ماه مه ۱۹۱۱ به ایران این قرارداد را
نخستین گزیده برای اولین بار به عنوان آمریکا در ایران به صورت آشکارا شروع شد. در سال ۱۹۱۱ دولت روسیه به دولت
ایران پیشنهاد فرستاد تا مورگان شوستر را از ایران اخراج کند و توسط سروهای نظامی خود به دولت فشار وارد آورد. دولت
انگلیس از این پیشنهاد پشتیبانی کرد. در اثر فشار این دو دولت، گاسه، حدیدی که کاملاً دست نشانده و تحت
فرمان دول روس و انگلیس بود تشکیل شد.

در این دوره امپریالیسم آلمان هم کوشش فراوان مکرر از طریق بازرگانی و کمک های مالی و اقتصادی زمینه مساعدی برای
وجود خود در ایران بوجود آورد و در این راه موقعیت های سنتا بررگی به دست آورد. مثلاً حجم تجارت آلمان از سال
۱۹۰۳ تا سال ۱۹۱۲ چهل برابر گردید. البته این رقم فقط سرعت رشد توسعه بازرگانی ایران و آلمان را نشان میدهد
از لحاظ کمیت انگلیس و روس کمپانی السابق تسلط مطلق را در این زمینه حفظ میکردند.

در سال ۱۹۱۲ تحت فشار انگلیس ها قرارداد ۱۹۰۷ در مورد تقسیم ایران به دو منطقه، نفوذ، توسط دولت دست
نشانده ایران به رسمیت شناخته شد. در سال ۱۹۱۳ به علت اهمیتی که استخراج منابع عظیم نفت جنوب پیدا کرده
بود انگلیس ها برای تسلط نفوذ مستعمراتی خود و با استفاده از وضع موجود، دولت را مجبور ساختند در جنوب پلیسی
بوجود آورد که تحت فرمان فرماندهان انگلیسی اداره شود.

شروع جنگ بین الممل اول و اتحاد عثمانی ها و آلمانی ها علیه روس ها و انگلیس ها باعث شد که عثمانی ها به ایران
لشکر کشی کنند. در نوامبر ۱۹۱۴ فئود عثمانی وارد آذربایجان شد و در آغاز سال ۱۹۱۵ تبریز به اشغال آنها درآمد.
در مغرب ایران نیز حربه دیگری بین نیروهای طرفین بوجود آمد.

در چنین شرایطی که ایران استقلال خود را کاملاً از دست داده بود و امپریالیست ها حاکم بر منابع و درآمد ملی و سیاسی
ما شده بودند در نقاط مختلف هسته های مقاومت بوجود می آمد. مهمترین آنها در شمال بود که از نیروهای جنگل کسه
تحت رهبری میرزا کوچک خان بود و نغرات امیر مؤید سواد کوهی نیز در آن شرکت داشتند، تشکیل میشد.

جنبش جنگلی ها در نواحی کیلان با پرچم مبارزه با نفوذ امپریالیسم انگلستان و روسیه، تزاری در بحبوحه جنگ
جهانی اول بوجود آمد. قبل از انقلاب فوری ۱۹۱۲ روسیه، جنبش جنگل بسیار محدود بود. جنگلی ها هیچ گاه
از مناطق خود بیرون نیامدند. خواست های آنها از چارچوب اجرای قانون اساسی ایران خارج نمی شد. هدف عمده
آنها مبارزه علیه اشغالگران امپریالیست روسی و انگلیسی بود. ترکیب طبقاتی جنبش جنگل در اوایل ۱۹۱۸ از دو گروه
بطور عمده تشکیل می شد:

الف - گروه اول نماینده طبقات بورژوازی تجاری - مالکین لیبرال و روحانیون بود. رهبری جنبش در اوایل در دست
این گروه بود. برنامه آنها اصلاح طلبی، وحدت اسلامی بود. آنها خواستار یک تغییر بنیادی جامعه ایران نبودند
بلکه خواهان کم شدن قدرت مطلقه شاه و نفوذ فئودالیسم بودند.

ب - گروه دوم متشکل از فئودال متوسط تجار، خرده بورژوازی و کارگران کشاورزی بود. گروه دوم بعد از انقلاب در روسیه
بصورت وسیعی در نهضت جنگل شرکت کرد.

پیش از شرکت حزب کمونیست و همکاری آن با جنبش جنگل، ترکیب اجتماعی این جنبش چندین مرحله تغییر و تحول را
گذراند. اگرچه هسته حاکمه آن را دهقانان، خرده بورژوازی شهر و ده و کارگران تشکیل میدادند، ولی رهبری در دست
کمیته "اتحاد اسلام" بود. که از مافوق بورژوازی ملی ایران دفاع میکرد و خواستار وحدت اسلامی بود.

میرزا کوچک خان که رهبری جنبش را به عهده داشت از میان خرده بورژوازی برخاسته بود. کوچک خان طلبه مدرسه
علوم دینی بود، در حین مشروطه در سال های ۱۹۰۵ - ۱۹۱۱ شرکت داشت، در حمله به تهران نیز شرکت نمود
و با همکاری عده ای از انقلابیون مشروطیت حزب "اعتدالیون" را تشکیل داد. در سال ۱۹۱۲ با همکاری دو نفر از
طرفداران وحدت اسلامی ترکیه کمیته "اتحاد اسلام" را در تهران تشکیل داد. با شروع جنگ بین الممل اول این کمیته
در تهران بهم خورد و کوچک خان به کیدن بازگشت. او با رهبری مردم مبارزه و با گرفتن مقداری اسلحه از ترکیه و آلمان
توانست طی دوران جنگ اول کیدن را از سلطه حکومت مرکزی آزاد سازد. از ماه مه ۱۹۱۲ روزنامه "جنگل" بعنوان ارکان رسد
نهضت جنگل که کمیته "اتحاد اسلام" رهبری آنرا به عهده داشت، منتشر شد.

عمرش. نوپ های انقلاب اکثر که سابقه نمود روسیه، تزاری را در ایران ریشه کن نمود امیدی در قلب انقلابیون ایران ایجاد نمود و دامنه فعالیت آنها وسیعتر شد. لنین در پیام خود " به همه" رحمندگان روسیه و خاور" در سه دسامبر ۱۹۱۷ اعلام کرد که قرارداد تقسیم ایران (قرارداد مجدد سری ۱۹۱۵ بین روسیه، تزاری و انگلستان) از هم پاره شده و معدوم شده است. در همین پیام لنین گفت " بردگی از جانب روسیه و حکومت انقلابی آن در کمین شما نیست بلکه از جانب جهان خواران امپریالیستی اروپا و از جانب آنهاست که میهن شما را به "ستعمره" عارت زده و تاراج شده بدل کرده اند. " در قرارداد متارکه، جنگ با آلمان منعقد در شهر برست (۱۵ دسامبر ۱۹۱۷) بنا به پیشنهاد هیئت نمایندگی شوروی ماده ای گنجائیده شد و اثر بر این که نیروهای روس و عثمانی باید فوراً ایران را ترک کنند. مقداری از نیروهای روسیه از دستور دولت انقلابی اطاعت کردند و در ۲۳ مارس ۱۹۱۸ ایران را ترک کردند ولی ارتش عثمانی و انگلیس همچنان باقی ماندند.

در سال ۱۹۱۸ دوبار نیروهای انگلیس با جنگلی ها روبرو شدند. بار اول از آنها شکست خوردند ولی در ماه ژوئن به جنگلی ها شکست سختی وارد آوردند. این بار قزاق های ضد انقلابی روس نیز به آنها کمک میکردند. انگلیس ها بدین ترتیب راه خود را برای رساندن نیرو و ساز و برگ به ضد انقلابی های قفقاز باز کردند. تحت نفوذ جناح سازشکار رهبری جنگل، سازشی بین میرزا کوچک خان و انگلیس ها بعمل آمد که طبق آن راه عبور سربازان انگلیسی بسوی قفقاز و طرق تأمین آذوقه آنها بازگذاشته شد. در مقابل انگلیس ها رسماً میرزا کوچک خان را بعنوان فرماندار گیلان شناختند. با عقب نشینی موقت انقلاب روسیه و محاصره شوروی از جانب مداخله گران خارجی و حملات ارتش های گوناگون سفید، راه برای تسلط کامل انگلیس ها در ایران هموار شد. وثوق الدوله که از سر سیردگان امپراطوری انگلیس بود در اوت ۱۹۱۸ روی کار آمد و در اواخر سال ۱۹۱۸ پس از خروج عثمانی ها تمام کشور زیر تسلط نیروهای انگلیسی درآمد و قرارداد ننگین لاپیتولاسیون در تاریخ ۹ اوت ۱۹۱۹ که طبق آن انگلیس ها کنترل خود را بر کلیه شئون نظامی، اقتصادی و مالی کشور برقرار مینمودند، امضاء شد. مبارزه علیه این قرارداد و موج اعتراض در سرتاسر ایران بلند شد. کوچک خان نیز طی اعلامیه ای مردم را به مبارزه برای بر انداختن کابینه و وثوق الدوله دعوت نمود ولی پس از شکست خوردن نیروهای جنگل از قوای دولتی، میرزا کوچک خان از دولت و وثوق الدوله تقاضای بخشش کرد. این تقاضا از طرف دولت پذیرفته شد و موافقت شد که نفقات کوچک خان در ردیف نیروهای دولتی بخدمت پذیرفته شوند.

با پیشروی مجدد ارتش سرخ و فرار قوای انگلیس از قفقاز جنبش گیلان مجدداً اوج گرفت. عده زیادی از پیشه وران و دهقانان در اطراف کوچک خان گرد آمدند. اوج گیری مجدد جنبش گیلان هم زمان با پیشروی ارتش سرخ صورت گرفت کوچک خان در بندرانزلی با نمایندگان دولت انقلابی شوروی قراردادی با مفاد زیر امضاء کرد:

۱- عدم اجراء اصول کمونیسم از حیث مصادره اموال و الغاء مالکیت و ممنوع بودن تبلیغات
۲- تأسیس حکومت جمهوری انقلابی

۳- پس از ورود به تهران و تأسیس مجلس مبعوثان هر نوع حکومتی را که نمایندگان ملت بپذیرند، بوجود آید

۴- سیردن مقدرات انقلاب بدست این حکومت و عدم مداخله شوروی ها در ایران

۵- هیچ قسونی بدون اجازه و تصویب حکومت انقلابی ایران زائد بر قوای موجود (۲ هزار نفر) از شوروی به ایران وارد نشود

۶- مخارج این قشون بعهده جمهوری ایران است

۷- مقدار مهمات و اسلحه که از شوروی خواسته شود در مقابل پرداخت قیمت تسلیم نمایند

۸- کالای بازرگانی ایران که در یادگوبه ضبط شده تحویل این حکومت شود

۹- واگذاری کلیه مؤسسات تجاری روسیه در ایران به حکومت جمهوری

سپهر کوچک خان با نیروی مسلح و همراه با احسان اله خان وارد رشت شد و در تاریخ ۵ ماه ژوئن ۱۹۲۰ تشکیل حکومت

موقتی انقلابی گیلان را اعلام نمود و طی تلگرافی به لنین برقراری جمهوری در گیلان و اقدام به تشکیل ارتش سرخ را

اطلاع داد. بعد از ورود جنگلیان به رشت بر حسب توافقی که قبلاً بعمل آمده بود شورای انقلاب مرکب از افراد زیر

انتخاب شد: میرزا کوچک خان - کائوک آلمانی (بنام هوشنگ) - حسن آلمانی (معین الرعایا) - میر صالح مظفر

زاده - کارگارتیلی (بنام شاپور) - احسان اله خان - کامران آقاوی (حزب عدالت) - کارانوف

(فرمانده قوای شوروی در ایران) - اعضا دولت از عناصر زیر تشکیل میشدند:

میرزا کوچک خان سرکمیسر و کمیسر جنگ ، میر شمع الدین وفاری (وفار السلطنه) کمیسر داخله ، سید جعفر کمیسر خارج محمد علی پیر بازاری کمیسر مالیه ، محمود آقا کمیسر قضائی ، آقا نصراله کمیسر پست و تلگراف و تلفن ، محمد علی حمامی کمیسر فوائد عامه ، حاجی محمد جعفر کمیسر معارف و اوقاف ، ابوالقاسم فخرائی کمیسر تجارت .

شورای جنگی نیز مرکب از سه نفر : میرزا کوچک خان (صدر) - احسان اله خان (فرمانده ارتش) و جواد زاده تشکیل شد . بطوری که از ترکیب شورای انقلاب و حکومت جمهوری گیلان بر می آید ، اکثریت نمایندگان از طرفداران میرزا کوچک خان بودند . خود او نیز مسئولیت مهم سرکمیسر و کمیسر جنگ را بعهده داشت .

در اعلامیه ای که تحت عنوان " فریاد ملت مظلوم ایران از حلقوم فدائیان جنگ " در ۷ ژوئن ۱۹۲۰ منتشر شد هدف جمهوری موقت گیلان چنین بیان شده است :

" قوه ملی جنگ باستظهار و کمک و مساعدت عموم نوع پروران دنیا وباستعانت از اصول حقه سوسیالیسم داخل در مرحله سرخ شد و خود را بنام " جمعیت انقلاب سرخ ایران " معرفی می نماید و آماده است که در سایه فداکاری و از خود گذشتگی همه قوای را که در ایران برای اسارت این قوم و جامعه انسانیت بکار افتاده اند در هم بشکند و اصول عدالت و برادری و برابری را نه تنها در ایران بلکه در جامعه اسلامی توسعه و تعمیم بخشد . مطابق این بیانیه عموم رنجبران و زحمتکشان ایرانی را متوجه میسازد که جمعیت " انقلاب سرخ ایران " نظریاتش را تحت مواد زیر که در تبعیت از آن بوجه ملزمی وفادار خواهد بود باطلاع عموم میرساند :

- ۱ - جمعیت انقلاب سرخ ایران اصول سلطنت را ملغی کرده ، جمهوری را رسماً اعلان می نماید .
- ۲ - حکومت موقت جمهوری حفاظت جان و مال عموم اهالی را بعهده میگیرد .
- ۳ - هر نوع معاهده و قراردادی که بضرر ایران قدیم و جدید با هر دولتی بسته شده ، لغو و باطل می شناسد .
- ۴ - حکومت موقت جمهوری همه اقوام بشر را یکی دانسته ، تساوی حقوق در باره آنان قائل و حفظ شعائر اسلامی را از فرایض میدانند

بررسی جنبش گیلان تا این مرحله نشان میدهد در عین این که مسئله مبارزه علیه استعمار انگلیس و مقدمه پی ریزی جنبه واحد طبقه کارگر با بورژوازی ملی از نکات مثبت جنبش اند ولی عدم توجه به انقلاب ارضی و در چارچوب آن مصداق نکردن دارای مالکان بزرگ و تقسیم زمین های آنان بین دهقانان و حساسیت رهبری جنبش (بورژوازی ملی و خرده بورژوازی) نسبت به تبلیغات کمونیستی نکات منفی جنبش را تشکیل میدهند .

از آنجا که رشد و سرانجام جنبش گیلان از این تاریخ بیحد رابطه مستقیم با شرکت حزب کمونیست در آن دارد لذا بعد در بخش مطالعه حزب کمونیست ادامه این جنبش بررسی خواهد شد .

قیام شیخ محمد خیابانی

در آذربایجان پیر از انقلاب فوریه ۱۹۱۷ روسیه حزب دمکرات (به بخش ۲ در مورد نفوذ و رشد افکار سوسیال - دمکراسی در ایران مراجعه شود) امکان فعالیت علنی یافت و کمیته ایالتی این حزب در صدر بسط شبکه های سازمان خود برآمد . در اواخر اوت ۱۹۱۷ کنفرانسی در تبریز تشکیل داد و کمیته مرکزی برهبری شیخ محمد خیابانی انتخاب کرد و اسم خود را به " فرقه دمکرات آذربایجان " تغییر داد . " فرقه دمکرات آذربایجان " برنامه خود را مبارزه علیه استعمارگران تعیین کرد . شیخ محمد خیابانی وعده ای از رهبران فرقه دمکرات آذربایجان از طرف قشون عثمانی بازداشت و سپس تبعید شدند . با پیشروی مجدد ارتش سرخ به قفقاز در آذربایجان دمکرات ها در ۷ آوریل ۱۹۲۰ قیام کردند . طی دو روز همه ادارات از جمله شهرستانی بدست قیام کنندگان افتاد و در تاریخ ۲۰ ژوئن ۱۹۲۰ حکومت ملی با برنامه زیرین تشکیل شد . برانداختن سلطنت ، برقراری جمهوری ، نجات کشور از قید اسارت خارجی ، خود مختاری آذربایجان و برقراری روابط سیاسی و بازرگانی با شوروی .

قیام تبریز کم کم نقاط دیگر آذربایجان را فرا می گرفت . دولت مرکزی و امپریالیست های انگلیسی برای از بین بردن این قیام و سرکوب آن دست بکار شدند . وثوق الدوله موفق بکاری نشد و در ۲۵ ژوئن ۱۹۲۰ مشیر الدوله کابینه جدیدی روی کار آورد و اعلام داشت که از اجرای فرار داد ۱۹۱۹ تا تشکیل مجلس چهارم جلوگیری خواهد نمود و با رهبران قیام آذربایجان وارد مذاکره شد ولی این مذاکره بجائی نرسید لذا متوسل به حيله و اسلحه شد . مشیر الدوله مخبر السلطنه را که خود از دمکرات های سابق بود به استانداری آذربایجان منصوب کرد و وی در نتیجه اعتماد خیابانی وارد تبریز شد و با استفاده ماهرانه از نیروی خلع سلاح نشده قزاق و خیانت فرمانده زاندارمری جنبش را سرکوب نمود . در تاریخ

۲۲ شهریور ۱۲۹۹ خیابانی بدست قزاقان قتل رسید و بدین طریق قیام خیابانی پایان یافت .

قیام خیابانی ادامه انقلاب مشروطیت بود که در دستور خود دفاع از دست آوردهای انقلابی خلق و تحقق و بسط و تکامل آنرا در شرائط جدید قرار داده بود . در مرکز این قیام ، سیمای انقلابی بزرگی چون شیخ محمد خیابانی میدرخشید که شهادت تفکر و عمل انقلابی هر دو را با هم داشت . گرچه این قیام پیروز نگردید و به هدف های نهائی خود نرسید ولی ضربه محکمی بر امپریالیسم و ارتجاع داخلی وارد آورد . قیام خیابانی بار دیگر نشان داد که اراده خلق ما در دفاع از آزادی و ادامه انقلاب شکستناپذیر است و همچنین آن را در مرد ابراز داشته بود " سراسر ایران موطن آزاد یخواهان است . "

کمیته های این جنبش را میتوان چنین خلاصه کرد :

- ۱ - ضعف تشکیلات حزب کمونیست در آذربایجان - عدم تکیه رهبری جنبش به دهقانان و مسلح ساختن آنها
- ۲ - رهبری جنبش در دست خرده بورژوازی انقلابی بود و شعار های جنبش قادر به بسیج اکثریت خلق نبود
- ۳ - عدم خلع سلاح نیروهای قزاق در فرصت مناسبی که پیش آمده بود ، اعتماد بیش از اندازه به نیروهای ژاندارمری و عدم سرعت لازم در تشکیل ارتش انقلابی و در هم شکستن نیروهای ضد انقلاب
- ۴ - جدا بودن قیام از سایر جنبش های انقلابی ایران (گواهی که نماینده ای از طرف شیخ محمد خیابانی برای تصار با میرزا کوچک خان فرستاده شده بود ولی عملاً در جنبش آذربایجان و کیلان بطور مجزا از هم رشد کردند) .
- ۵ - محدود شدن قیام به تیریز و عدم گسترش سریع آن به سراسر آذربایجان
- ۶ - عدم هوشیاری در مقابل نماینده ضد انقلاب .

قیام کلنل محمد تقی خان پسیان (در خراسان)

کلنل عضو فعال حزب دمکرات ایران بود . پسر از خانه تحصیلانتر در اروپا به تهران آمد و با حزب همکاری میکرد و در فعالیت علیه انگلیس ها و حکومت وثوق الدوله شرکت نمود . پس از سقوط وثوق الدوله و روی کار آمدن مشیرالدوله به فرماندهی ژاندارمری خراسان منصوب گردید .

کودتای سید ضیاء الدین و رضا خان و اقدامات عوامفریبانه حکومت سید ضیاء الدین ، (از جمله العا قرار داد ۱۹۱۹) و بازداشت عده ای از اشراف و مرتجعین وابسته به انگلستان از آن جمله قوام السلطنه - که بدست خود کلنل انجام گرفته بود ، وی را امیدوار ساخت که دستگاه جدید می تواند منشاء اصلاحی بشود . کلنل دارای افکار ضد استعماری و آزادیخواهانه بود و خواهان قطع نفوذ انگلیس ها در سیاست خارجی و برانداختن حکومت اشراف و تشکیل حکومت دمکراتیک بر مبنای قانون اساسی ، از نظر سیاست داخلی بود . اما وقایع بعد از روی کار آمدن قوام و تسلط رضا خان بر ارتش این امیدواری را از وی سلب کرد و او را به پیش گرفتن راه مقاومت مسلحانه برای رسیدن به هدف های دمکراتیک و ضد امپریالیستی سوق داد .

به منظور پشتیبانی از جنبش کمیته ای مرکب از نمایندگان طبقات مختلف در مشهد بنام " کمیته ملی " تشکیل شد که به فعالیت وسیع رفقی در ده و شهر دست زد و پسر از کلنل نیز تا مدتی به فعالیت ادامه داد . اقدامات مهم " کمیته ملی " و - کلنل عبارت بودند از : " بخشودگی بدهی های عقب افتاده دهقانان و لغو پاره ای از مالیاتها و بعضی دیگر از بدعت های فتووالی - سرو سامان دادن به وضع مالیه ، تعیین مالیات معین جنسی و نقدی برای مالکان و تشکیل " خزینه ملی " برای کمک به حواست های جنبش از طریق اموال مصادره شده مالکان و کمک بعضی از نمایندگان بورژوازی ملی خراسان - انجام اقداماتی برای راه سازی بین شهرها و دهات - ایجاد یک بیمارستان با کمک افسر پزشک و پزشکدار ژاندارمری و معالجه رایگان افراد ستمدیده - ایجاد مدارس و پرورشگاه - منع دخالت کسولگری انگلیس در کارهای ایالت

در ضمن " کمیته ملی " با شعار اصلاحات ارضی دمکراتها به روستا رفت گرچه عملاً در جریان قیام اقدامات ریشه ای در دهات انجام نگرفت ولی همان اقدامات سطحی اولیه نیز توانست پشتیبانی دهقانان را نسبت بقیام جلب کند . قوام السلطنه ، رضا خان با همکاری انگلیس ها موفق به ایجاد نوطه ای علیه کلنل شدند که در ۲۱ آوریل ۱۹۲۱ منجر به کشته شدن کلنل گردید . هر چند که تا مدتی بعد از قتل کلنل " کمیته ملی " و دهقانان مسلح اطراف مشهد مبارزه را ادامه دادند ولی عملاً با از بین رفتن کلنل این قیام دچار شکست شد .

علل شکست قیام کنند را میتوان چنین خلاصه کرد :

۱ - ضعف تشکیلات حزب کمونیست و بودن رهبری در دست خرده بورژوازی انقلابی

۲ - ضعف نیروی قیام کنندگان و قدرت ارتجاع (بطور عمده مالکین وابسته به انگلیس در حراسان)

۳ - فروکش نهضت بطور کلی در سراسر ایران (شکست قیام خیابانی - تشتت نیروهای انقلابی گیلان) و عدم ارتباط قیام ها با یکدیگر .

جنبش های انقلابی پس از انقلاب مشروطیت ، در واقع ادامه مبارزه خلق های ایران برای تحقق رادیکالترین آرمان های این انقلاب و عمیق تر کردن آن بود . در طول این مبارزات ، با نفوذ عقاید علمی مارکسیستی ، جنبش های انقلابی خواستار تغییرات عمیق تر اقتصادی و اجتماعی شدند و صفوف آنها را بیشتر و بیشتر کارگران و دهقانان پر کردند . بسط و توسعه جنبش های علمی انقلابی از یکسو و نفوذ و رشد عقاید و اسلوب کار مارکسیستی از سوی دیگر زمینه را برای ایجاد حزب کمونیست ایران بوجود آورد .

حزب کمونیست زائیده مبارزات و جنبش های آن زمان بود و پیروزی انقلاب کبیر اکثریت بلشویسم را بطور نهائی برای خلق های ستمدیده خاور و از آن جمله برای خلق های ایران به ارمغان آورد . ایجاد حزب کمونیست در چنین شرایطی به انقلاب ایران سیماى كاملاً نوینی داد .

سوسیال دمکراسی انقلابی در ایران

انقلاب (۱۹۰۵ - ۱۹۰۷) در روسیه ضربه ای که این انقلاب به رژیم تزاری وارد ساخت ، به رشد جنبش انقلابی ایران کمک کرد . رشد جنبش سوسیال دمکراسی در ایران تا موزون بود . این جنبش در آستانه انقلاب مشروطیت (۱۹۰۵ - ۱۹۱۱) بوجود آمد ، شکل گرفت و رشد کرد . سوسیال دمکرات ها فعالانه در این انقلاب شرکت کردند و علیه دربار که نماینده امپریالیست های روس و انگلیس بود فعالانه مبارزه کردند . افکار سوسیال دمکراسی انقلابی توسط کارگران ایرانی که در معادن نفت و مراکز صنعتی قفقاز کار میکردند ، روشنفکران ایرانی که در روسیه تزاری و اروپا تحصیل میکردند و سوسیال دمکرات های انقلابی روس در ایران بسط و توسعه یافت . طبق آمارهای دولت تزاری ، قبل از جنگ بین الملل اول در حدود ۱۰٪ مجموع کارگران مؤسسات ماورا قفقاز و ۵۰٪ کارگران نفت باکورا مسلمانان تشکیل میدادند و اکثریت آنها ایرانی بودند . عده زیادی از این کارگران بطور فصلی در آن جا کار میکردند . تعداد کارگران ایرانی بیش از ۶۰ هزار نفر بود . کارگران در کیه جنبش های کارگری آن نواحی شرکت فعال داشتند .

حزب اجتماعیون عامیون ایران

در سال ۱۹۰۴ سوسیال دمکرات های باکو جمعیت خاصی بنام " جمعیت " برای کار در میان کارگران ایران بوجود آوردند . این جمعیت که حلقه واسطه میان کارگران ، بخصوص کارگران ایرانی و سوسیال دمکرات های انقلابی بسود بعدا (۱۹۰۴ - ۱۹۰۵) شالوده حزب سوسیال دمکرات ایران - " اجتماعیون عامیون " را ریخت . در برنامه حزب " اجتماعیون عامیون " که کمیته مرکزی آن در باکو بود ، خواست های زیر مطرح شدند :

" اول (جمیع ملک و زمین باید در تحت اختیار آن کسی باشد که با رنج دست خود میگرداند نه بی استعانت عمله و فعله .

دوم (اربابان صنایع چه شاگرد و چه مزدور یا اشخاص فعله و عمله چه نوکر از قبیل میرزا و دفتر دار و سر رشته دارو غیره که از کسب یومیه نان خود را تحصیل میکنند ، باید در شب و روز بیشتر از هشت ساعت کار نکنند یعنی مجبور نباشند بیشتر کار کنند مگر به میل خودشان یا به طمع زیادی اجرت و مواجب و اجرت یومیه آنها باید افزوده شود .

سوم (باید زنهای بیوه و اطفال بی پرستار یا پیر مردان که بواسطه سالخوردگی قادر بر کار کردن نیستند ، از طرف دولت پرستاری و مراعات شوند یعنی در حق ایشان اعانه برقرار شود .

چهارم (اشخاصی که از شدت فقر در خرابه ها و در زیر زمین های نمناک و منزل های متعفن مسکن نموده که مورث بعضی امراض مزمن اند و اقلین و غیره میکردند ، باید از جهت ایشان از طرف دولت منزل های ارزان ساخته شود و

محار این منزل ها از جانب دولت باشد ، بعد به قیمت ارزان کرایه بدهند .

پنجم) از جهت اطفال یتیم و فقیر در هر شهر و قریه مکاتب و مدارس تأسیس شود .

ششم) مالیات دیوانی باید کم شود (عوارض) . باین ترتیب از اشخاصی که بی بضاعت و مفلسند نباید عوارض و مالیات مواخذه شود مگر اشخاص دارند که از قدر گذران سالیانه خود زیاد تر داشته باشند و هرچه از گذران بیشتر بمانند مالیات باو تعلق خواهد گرفت ، به مناسب مال از کم کم و از زیاد زیاد خواه نقد باشد یا جنس ، چه در شهرها و چه در هات چنانچه شرح او خواهد آمد .

هفتم) تخفیف گمرک است . اشیائی که از خارجه می آید که فقرا محتاج باو هستند از قبیل قند و چای و نفت و غیره باید از گمرک آنها کاست تا ارزان شود .

این فرقه آزادی طلب مقصودشان این است . آن کسانی که خون ملت می خورند از قبیل حکومت و سرتیپ و سرهنگ و سایر صاحب منصب و تابعین حکومت مثل فرائز و غیره ، ملت بیچاره از دست این ستم گاران آزادی بخشد . آیسا ملت را چگونه باید خلاص کرد .

اول) باید از حکومت درخواست کرد آزادی مشروط را یعنی جماعت در کمال آزادی در یک جا جمع شده در کار خود مصلحت نماید .

دوم) آزادی لسان یعنی جمعیت با حکومت و دولت بتوانند گفتگو نمایند و هر چیزی را که مضر بحال ملت است رفع نمایند سوم) آزادی مطبوعات یعنی کتاب ها و روزنامه ها که جماعت بتوانند به ذریعه روزنامجات احتیاجات خودشان را نوشته و منتشر نمایند از طرف دولت ممنوع نباشد .

چهارم) آزادی اتفاق اربابان صنایع و حرفت در خصوص احتیاجات نسبت به صنعت خودشان اتفاق نموده هر چه لازم باشد از دولت طلب نمایند چون که در هر کاری جمعیت اتفاق شد میتواند کاری از پیش ببرد نه این که یک نفر یا دو نفر .

پنجم) آزادی مذهب یعنی از روی قانون شریعت مطهره هر کس بهر دین و مذهب که هست نباید او را مجبور کرد که ترک مذهب خود را بگوید و بدین دیگری گرویده شود مگر به میل خودش و حکومت هم مختار نباشد که کسی را جبرا بدین دیگری دعوت نماید تا این که تمام ملل با یکدیگر برابر و وار رفتار نمایند .

ششم) آزادی تعطیل یعنی عمله و مزدور هرگاه خواسته باشند متفقا جمع شده محضر پیشرفت مطالب خود در خصوص

.....

مناطق شمالی ایران و بخصوص آذربایجان بعلمت موقعیت جغرافیائی خاصی که داشت بیش از سایر استان های ایران در معرض افکار سوسیال دمکراسی قرار گرفت . در تبریز انجمنی بنام " مرکز غیبی " توسط علی مسیو ، حاجی علی دوا - فروش و حاجی رسول صدقیانی و چند نفر دیگر بوجود آمد . آنها مرامنامه جمعیت اجتماعین عامیون قفقاز را که نریمان - او ف رهبری میکرد ، بزبان فارسی ترجمه کردند و دسته " مجاهدان " را پدید آوردند که علنی کار میکردند و در انجمن تبریز بطور فعال شرکت داشتند . " مرکز غیبی " رهبری این دسته را که در اداره انجمن تبریز ، فاطم تر کردن آن در مقابل فشار دستگاه استبدادی محمد علیشاه و بالاخره سمت دادن به انقلابیون مشروطه تأثیر زیادی گذاشت ، بعهدہ داشت .

" مجاهدان " در واقع جمعیتی نوده ای بود که سوسیال دمکرات ها آن را رهبری میکردند . در دوره اول مشروطیت یگانه حزب متشکل سوسیال دمکرات - اجتماعین عامیون بود و " مجاهد " ارکان مطبوعاتی آن در تبریز انتشار میافت . در مشهد در سال ۱۹۰۵ دستور نامه ای بنام " دستور نامه حزب سوسیال دمکرات ایران " تصویب شد . این دستور - نامه در واقع برای تشکیل جمعیتی در آنجا و همسو کردن مبارزات طبقات مختلف که در انقلاب مشروطیت منافع مشترکی داشتند ، نوشته شده بود . ولی در سال ۱۹۰۷ مرامنامه و اساسنامه جدیدی که نسبت به دستور نامه قبلی مفرقی تر بود بنام " جمعیت مجاهدان " در مشهد تصویب میشود که از بسیاری جهات شبیه برنامه جمعیت " همت " است . در این اساسنامه گفته میشود که کمیته مرکزی جمعیت مانند سابق در قفقاز است و جمعیت در تهران ، مشهد اصفهان ، رشت و تغلیس دارای شعب میباشد . در عشق آباد نیز شعبه فرعی ای وجود داشت که توسط کمیته مشهد اداره میشد . عدم یک مرامنامه واحد برای حزب " اجتماعین عامیون " را باید در مواضع سیاسی مختلف رهبران سازمان های آن دانست . اعضا حزب در انقلاب مشروطیت فعالیت شایانی نمودند ولی حزب از لحاظ ایدئولوژیکی

و سیاسی وحدت یکپارچه نداشت . بزرگترین نفوذ را در سال های ۱۹۰۶ - ۱۹۰۷ کمیته باکو داشت که کمیته مرکزی محسوب میشد و با سازمان های خود در آذربایجان ، گیلان ، تهران و سایر نقاط ارتباط داشت . یکی از کسانی که در ایجاد سوسیال دمکراسی ایران نقش فعال داشته است حیدر خان عمو اوغلی است . او از اوایل ۱۹۰۱ در بین کارگران و ایرانیان مقیم باکو فعالیت میکرد ولی در اثر تعقیب پلیس آنجا را ترک کرده و در سال ۱۹۰۳ در تهران و سپس در مشهد به مدت ۱۱ ماه اقامت کرد . بعد از آن او به تهران برگشت و در آنجا حوزه ۷ نفری تشکیل داده و به فرقه " اجتماعيون عاميون روسيه اطلاع داد که فرقه " اجتماعيون عاميون " در ایران را تشکیل داده است . این مقارن با زمانی است که سوسیال دمکرات های ایرانی در قفقاز نیز فعالیت خود را آغاز کرده بودند . واحد تهران با واحد های حزب در تبریز ، باکو و تفلیس ارتباط داشت . اعضا این واحد را بیشتر روشنفکران تشکیلات میدادند . از جمله کسانی که عضو این واحد بودند نام ملك المتكلمين ، صور اسرافیل ، صادق طاهباز ، محمدعلی - خان تربیت ، سلیمان میرزا اسکندری ، علی اکبر دهخدا ، سید کمره ثی ، اسداله خان کردستانی (نماینده مجلس) میرزا آقا (مدیر روزنامه عصر انقلاب) و غیره را میتوان نام برد . سلیمان میرزا اسکندری در سال ۱۹۰۹ حزب دمکرات ایران را تأسیس کرد .

حیدر پس از شکست انقلاب ۱۹۰۵ بارویا سفر کرد و در ضمن همین سفرها است که وی فن ساختن بمب و استفاده از اسلحه را یاد گرفت . در سال ۱۹۰۷ مجدداً به ایران بازگشت و بطور فعالی در انقلاب مشروطیت شرکت نمود . او فرماندهی نیروهای انقلابی را در ناحیه خوی و ماکو بعهده داشت . در آنجا هنگام بین الطللی مرکب از جوانان کرد آذربایجانی ، ارمنی ، آسوری ، گرجی و ترک تشکیل داده و آنها را رهبری کرد و نیروهای مسلح عشایری کرد را در آن منطقه که علیه مشروطه خواهان بجنگ کشیده شده بودند شکست داد .

بطور کلی باید گفت که سوسیال دمکرات های ایرانی و قفقازی فعالیت بسیار ارزنده ای در پیشبرد انقلاب مشروطیت از خود نشان دادند . در پیامی که هنگام انقلاب با امضا " حزب سوسیال دمکرات ایران " خطاب به مردم کشور صادر شد ، گفته میشود که :

" سوسیال دمکراسی ایران بود که مشروطیت را گرفت ، دفاع تبریز را سازمان داد و در آن هنگام که استبداد خود را در همه جا پیروز نمیدانست و در صفوف آزادی خواهان ایران یأس و ناامیدی حکمفرما بود لشکر کشی بتهران را تهیه دید " این پیام مربوط بزمانی است که دخالت نیروهای اجنبی خطر جدی برای سرنوشت انقلاب و استقلال کشور فراهم ساخته بود . حزب سوسیال دمکرات " مردم صادق و با شرافت را دعوت میکند که زیر پرچم وی گرد آیند ، حکومت مغرور را سرنگون کنند و کشور را از ستم خارجی که میتواند آخرین آثار آزادی را ، که با آن همه مشقت بدست آمده از بین ببرد ، نجات دهند . "

عده ای از روشنفکران انقلابی در داخل و خارج از جمله فعالین سوسیال دمکرات بودند و خدمات گرانبهائی انجام دادند . از فعالین این گروه میتوان میرزا جعفر ناطق حسین زاده ، عظیم عظیم زاده ، میرزا اسداله غفار زاده را نام برد . عده ای از آنان از جمله میرزا جعفر ناطق حسین زاده در خوی و عظیم عظیم زاده در زنجان در جریان انقلاب مشروطیت بدر آورخته شدند .

میرزا اسداله غفار زاده یکی از فعالین جنبش سوسیال دمکراسی ایران بود و چنانچه بعداً خواهیم دید از اعضا و بانیان فعال حزب عدالت و سپس حزب کمونیست گردید .

همانطور که قبلاً ذکر شد فعالیت سوسیال دمکرات ها در آذربایجان بسیار زیاد بود . برخی اسناد مهم درباره فعالیت آنها که نمودار درجه و رشد آگاهی ایشان است و از آرشیو شخصی پلخانف بدست آمده اند ، عبارتند از :

صورت جلسه شماره یک مورخه ۱۶ اکتبر ۱۹۰۸ سی نفر از سوسیال دمکرات های تبریز ، نامه ای به امضا واسو از تبریز به پلخانف مورخه ۱۹ نوامبر ۱۹۰۸ ، نامه مورخه ۳ دسامبر ۱۹۰۸ خطاب به رجال جنبش سوسیال دمکرات اروپا که از طرف بخشی از این گروه به امضا تیگران دروینی ارسال شده است ، نامه ای به امضا چلنگریان از تبریز بنام پلخانف مورخه ۱۰ دسامبر ۱۹۰۸ .

صورت جلسه مورخه ۱۶ اکتبر ۱۹۰۸ حاکی است که در این جلسه که صدر آن سدراک اول و منشی آن واسو بوده است پیشنهاد آرشادیر و واسو در اثر بلزوم تشکیل گروه مستقل سوسیال دمکرات و پیشنهاد مخالف واصله از طرف ورام و سدراک دوم در اثر به صلاح نبودن فعالیت صرفاً سوسیال دمکرات بمذاکره گذارده شده است . طرفداران پیشنهاد اول استدلال

میکردند که ایران وارد مرحله تکامل سرمایه داری شده ، در کشور نطفه هائی از صناعت دیده میشود امکان آن پیدا شد که بین پرولتاریا فعالیت شود ، در صورت عدم فعالیت ممکن است بورژوازی از پرولتاریا بنفع خود استفاده کند . همچنان که در انقلاب ۱۷۸۹ فرانسه و سپس در انقلاب های ۱۸۳۰ و ۱۸۴۸ دیده شد . امروز هم در ایران مبارزه فعال را مردم ، یعنی در درجه اول عناصر فاقد مالکیت انجام میدهند ، پشتیبانی مطلق از شعارهای بورژوازی در حقیقت بمعنای دفاع از این طبقه و جلوگیری از رشد انقلاب خواهد بود ، سوسیالیست ها نمی توانند با نمایندگان دمکراسی بورژوازی آمیخته شوند زیرا : (۱) سوسیالیست و دمکرات عادی دارای دو جهان بینی مختلف اند ، (۲) دمکراتیسم يك نفر سوسیالیست با دمکراتیسم يك دمکرات عادی از لحاظ پیگیری خود متفاوت است ، (۳) سوسیالیست اگر متکی به نقطه نظر پرولتاریا باشد با کامیابی بیشتری میتواند در انقلاب بورژوازی شرکت کند . لذا پیشنهاد میکردند :

" گروه سوسیال دمکرات خالص تشکیل شود ، روشنفکران و کارگران آگاه و فعال تر در ایران برای اجرای مبارزه طبقاتی از راه تبلیغ و تهیج تشکیل و توده های کارگری بدان جلب شوند . "

مخالفین معتقد بودند که در ایران هنوز شرائط عینی و ذهنی برای متشکل و متحد ساختن پرولتاریا نرسیده است ، پرولتاریای جدید بوجود نیامده و لذا زمینه ای برای کار سوسیال دمکراسی " خالص " موجود نیست . آنها پیشنهاد میکردند که فعلا صلاح در آن است که از " فعالیت سوسیال دمکراتیک خالص دست برداشته ، بصوف دمکراسی داخل شده ، آنرا از عناصر مرتجع پاک کرده ، به تشکل آن کمک نموده و البته بعثابه رادیکال ترین عناصر در آن فعالیت نمود . "

آنها معتقد بودند که این يك مسئله اصولی نیست بلکه " مصلحت سیاسی و تدبیر تاکتیکی " است .

در این جلسه پیشنهاد اول با اکثریت ۲۸ رأی در مقابل ۲ رأی پذیرفته میشود . ولی مسائل مورد اختلاف بکلی حل و فصل نمیشود . بعضی از سوسیال دمکرات ها به کائوتسکی و پلخانیف مراجعه میکنند . کائوتسکی در نامه خود علیه تشکیل فعالیت سوسیال دمکراسی در ایران اظهار عقیده میکند و میگوید سوسیالیست ها فقط باید در مبارزه دمکراتیک عمومی توده ها شرکت جویند زیرا رشد اقتصادی کشور هنوز پرولتاریای صنعتی جدید در ایران بوجود نیاورده است .

واسو در نامه مورخه ۱۹ نوامبر ۱۹۰۸ به پلخانیف صحت نظریه کائوتسکی را مورد تردید قرار میدهد . او مینویسد :

" لیکن در ایران پرولتاریا یعنی اشخاصی که فاقد ابزار کار بوده نیروی کار و دانش خود را بکار فرمایان می فروشند وجود دارد . در این صورت آیا سوسیال دمکرات ها حق دارند از متشکل کردن کارگران و مبارزه در راه از دیار دستبرد آنان خود داری کنند ؟ " او در این نامه از پلخانیف ضمنا سؤال کرده است : آیا صلاح است بنفع آزادی بازرگانی یعنی علیه سیاست گمرکی تبلیغ شود ؟ خود او چنین سیاستی را مضر بحال " ایجاد پرولتاریای صنعتی " در ایران دانسته است . او سؤال میکند که : آیا سوسیال دمکرات ها باید در مبارزه علیه سرمایه خارجی شرکت کنند و " چه وقت چنین مبارزه ای ارتجاعی است و چه وقت ارتجاعی نیست " و نیز : آیا سوسیال دمکرات ها باید نیروی شهرپانسی توده ای (ملیت) تشکیل دهند یا نه ؟ خود او چنین نیروی را صلاح میدانسته است .

در این نامه اطلاعاتی درباره فعالیت سوسیال دمکرات های تبریز داده میشود . او مینویسد سوسیال دمکرات ها در تبریز " نفوذ عظیمی " دارند و در همه مسائل به آنها مراجعه میشود .

واسو مینویسد که در تاریخ ۲۸ اکتبر ۱۹۰۸ در سه کارخانه چرم سازی تبریز که مجموعا دارای ۱۵۰ نفر کارگر بودند تحت رهبری سوسیال دمکرات ها اعتصاب شد . . . در تاریخ ۳۱ اکتبر این اعتصاب بنفع کارگران پایان یافت . مزد آنها اضافه شد و کار فرما قبول کرد که کارگران اعتصابی را اخراج ننماید .

او همچنین درباره کمبود کادربا معلومات سیاسی مینویسد : " در میان آمدگان تنها ۴ نفر و در میان محلی ها تنها ۲ نفر قادر وجود دارند که بتوانند از پرنسپ های سوسیال دمکراسی دفاع نمایند " .

چلنگریان نیز در نامه خود به پلخانیف مینویسد که سوسیال دمکرات های تبریز " گروه کوچکی از روشنفکران هستند که تبلیغ ایده های مارکسیسم را هدف خویش قرار داده اند " . این روشنفکران در روسیه تحصیل کرده بودند .

بهین ترتیب میتوان رشد سیاسی ، ایدئولوژیک و تشکیلاتی سوسیال دمکرات های تبریز را مشاهده کرد . برای اکثریت آنها روشن بود که باید بر اساس نقطه نظر های پرولتاریا مستقل در جنبش انقلابی شرکت کرد . آنها این تز ریزیونیستی را رد میکردند که چون نیروهای مولده در کشور رشد نکرده اند ، نمی توان سازمان سیاسی پرولتری بوجود آورد .

دیگران که آنها با این تز ریزیونیستی مخالفت داشتند که گویا امپریالیسم ، مناسبات سرمایه داری در کشور عقب افتاده دارد میکند و بنا براین مطلقا است و نباید با آن مبارزه کرد . اینها دست آوردهای مهمی در جنبش سوسیال دمکراتیک

ایران است که شایسته توجّه میباشد .

حزب سوسیال دمکرات کارگری روسیه نیز با فرستادن عده ای از انقلابیون بایران کمک برجسته ای بانقلاب مشروطیت نمودند . از جمله کسانی که بایران فرستاده شدند رجل سیاسی و انقلابی مشهور ک . ک . اورژنیکیدزه بود که در پائیز سال ۱۹۰۹ بایران آمد و قریب یک سال یعنی تا نوامبر ۱۹۱۰ بفواصلی در ایران بسربرد . گروه سوسیال دمکرات های رشت بکمک او برای اولین بار دست بترجمه "مانیفست حزب کمونیست" زدند . این ترجمه بانجام نرسید . در رشت کمپنی بنام کمپ انترناسیونال تشکیل شد و اورژنیکیدزه سخنرانی هایی درباره انقلاب ۱۹۰۵ روسیه ، درباره اشتراک منافع خلق های ایران ، ماورا قفقاز و روسیه ، درباره مبارزه کارگران و روستائیان ایران ، مصادره املاک فتودال ها و غیره ایراد کرد . او بهمراهی انقلابی مشهور آذربایجان مشهدی عزیز بگف عضویت حزب سوسیال دمکرات ایران برگریده شد .

سوسیال دمکرات های انقلابی روسیه بطور عمده پس از بتوپ بستن مجلس در سال ۱۹۰۸ توسط لیاخوف قزاق روس به ایران آمدند . آنها علاوه بر کمک مستقیم از طریق چاپ مطبوعات (در مطابع مخفی باکو و باطوم) و ارسال اسلحه و تهیه مطبعه بانقلابیون ایران کمک میکردند .

در سال ۱۹۰۹ حزب دمکرات ایران تشکیل شد . سلیمان میرزا اسکندری از بنیان این حزب بود ، او خود قبلاً عضو حزب سوسیال دمکرات بود . در برنامه این حزب مسائل زیر مطرح شدند : ایجاد ارتش ملی از طریق نظام وظیفه ، تفکیک سیاست از مذهب ، قانون منع احتکار ، برقراری تعلیمات اجباری و تقسیم املاک بین دهقانان و ایجاد بانک کشاورزی . این برنامه در واقع نشان دهنده خواست های بورژوازی ملی و خرده بورژوازی بود . حزب دمکرات در مدت زمان کوتاهی سازمان خود را در نقاط عمده کشور گسترش داد و توانست ۲۸ نفر نماینده در دوره دوم قانون گذاری به مجلس بفرستد . سلیمان میرزا و شیخ محمد خیابانی از جمله نمایندگان این حزب در مجلس بودند .

روزنامه "ایران نو" ارگان حزب دمکرات بود . بعلمت این که بعضی از نویسندگان "ایران نو" با مارکسیسم آشنایی داشتند لذا مقالات جالبی در آن نوشته میشد . در شماره ۱۶ مورخه ۹ نوامبر ۱۹۱۰ این روزنامه ، درباره بنیان سوسیالیسم تخیلی "سن سیمون" و "اوون" و بنیان گذاران سوسیالیسم علمی مارکس و انگلس صحبت کرده و درباره شخصیت مارکس و عقاید علمی او و اهمیت کتاب سرمایه نظر میدهد .

در مقاله دیگری از ضرورت تاریخی انقلاب اجتماعی سخن میگردد و جمله مشهور مارکس را که "انقلاب قایله هیئت های اجتماعی است" خاطرنشان میسازد . از "مانیفست حزب کمونیست" از "انتقادی از اقتصاد سیاسی" و از نامه مشهور انگلس به اشتارکنبرگ نقل قول میآورد . در مقاله دیگری از "ترور" و درك ایده آلیستی و سوبژکتیویستی انتقاد میکند و بالاخره در شماره دیگری نشان میدهد که آموزش ماتریالیسم تاریخی بهیچوجه نقش افکار پیشرو و مفرقی را نادریده نگرفته تأثیر عوامل ذهنی را انکار نمیکند .

در این روزنامه از تلفیق اندیشه های مارکسیستی به اوضاع مشخص جامعه صحبت شده و لزوم جلب توده های وسیع روستائی بویژه ایلات و عشایر را به جنبش انقلابی تأکید میکند و برای تأیید این موضوع از کارل لیبکشت نقل و قول میآورد که " . . . در اروپا هیچ انقلابی جز بمبار و معاونت دهاتی سر نمیگیرد " . نویسندگان این مقالات تحت تأثیر سوسیالیست های اروپا بودند .

در اواخر زمستان ۱۹۱۰ دو ماه بعد از افتتاح مجلس دوم "انتباه نامه" در تهران انتشار یافت که از طرف مرکز فرقه اجتماعیون عامیون منتشر شد . در این بیانیه گفته میشود : " . . . در این موقع که بر وفق آمال نوع خواهان خدمات اجتماعیون حسن نتیجه داده ، بساط عدالت و مشروطیت در ایران گسترده شده ، متأسفانه بعضی اشخاص بناسبست (وابستگی) به این فرقه خود را عزیز بی جهت قرار داده پیروی اصول کیف مایشا شده بنای پارتنی بازی را گذاشته اند ! با این که در این بحران مملکت تشکیل پارتنی و اجرای مقاصد خود پرستی نهایت مضرت را دارد . . . لهذا از طرف مرکز فرقه مقدس عجالتاً دستجات اجتماعیون عامیون فرقه مجاهد از تهران و سایر بلاد ایران توقیف و تجدید شعبات آنیه را به انتخاب اشخاص لایق نوع پرستی غرض به بعدا موکول نمودیم . . . "

گرچه احتیاج به مطالعه بیشتری است ولی این بیانیه نشان میدهد شعبات اجتماعیون عامیون که بنام مجاهد فعالیت میکردند و سازمان هایی توده ای بودند که در انقلاب مشروطیت فعالیت میکردند ، پس از پایان یافتن انقلاب مشروطیت بعلمت وضع ناهمگونی که داشتند از طرف مرکز فرقه منحل میشوند .

در ماه مه سال ۱۹۱۰ در شهرهای زوریخ، بال و ژنو پاریس کنفرانس هائی توسط سوسیال دمکرات های مهاجر روس تشکیل میشود که در حق خبر روزنامه "ایران نو" یکی از سوسیال دمکرات های روسیه بنام مستعار "تربا" که در انقلاب مشروطیت شرکت جسته بود سخنرانی میکند و قطعنامه ای بر پایه گزارش او درباره وضعیت ایران در ۲۳ ماه مه در پاریس تصویب میشود و نسبت به سیاست دول امپریالیستی روسیه تزاری و انگلستان در ایران اعتراض میشود.

لنین اصرار میورزد که متن گزارش "تربا" درباره ایران چاپ و منتشر شود. عنوان آن "سوسیال دمکرات های قفقاز در انقلاب ایران" بود.

در ۱۶ اوت ۱۹۱۱ بیانیه ای در تهران بنسبت ورود محمد علیشاه مخلوع به ایران از طرف "فرقه اجتماعيون عاميون ایران در قفقاز" به سوسیالیسم بین المللی تحت عنوان "استمدار از کارگران (بین المللی)" انتشار یافته و مخابره میشود.

در این بیانیه بعد از ذکر خصیت ضد انسانی مداخلات امپراطوری های روس و انگلیس گفته میشود: "امروز ایران جوان در مقابل يك زمره یغماگران آزادی بین المللی و دسته پیش قدم فساد و انحلال بشریت واقع است و این دزدان راه آزادی ملل هیچگاه هوا خواه استقلال و حریت وطن بلا دیده ما نبوده اند."

"ما هواخواهان استقلال و تمامیت ملکیه ملت ایران، ما دشمنان پر جوش و خروش دزدان غارتگر منظم بین المللی را واجب است که برای پیروزی یافتن در این کشمکش و مبارزه حیاتی سعی و کوشش اندکی را در نظر نگیریم! عجبا، اگر در این روزگاران غم آور و ایام محن را برای کامیاب شدن بمقصود از کارگران اجتماعيون بین المللی استمدار نجوئیم از چه عناصری باید استعانت کنیم؟"

فقط صنعت کارگران دوستدار صادق و صمیمی تمام ملل مقهوره و حریت هائی که آماج سهام خطرات و مآلک میشود طرفدار اخوت بین المللی و دشمن پر خطر یغماگری اصول سرمایه داری در این جا طرف خطاب است! ... زنده باد استقلال و اخوت ملل! زنده باد اجتماعيون بین المللی! "فرقه اجتماعيون عاميون ایران در قفقاز"

این اعلامیه بخوبی نشان میدهد که نسبت به سال های اول فعالیت خود فرقه اجتماعيون عاميون ایران رشد کرده و مسائل را عمیق تر مورد بررسی و تجزیه و تحلیل قرار میدهد. توجه به سیستم غارتگری منظم بین المللی، توجه به طبقه کارگر بعنوان دوستدار صادق و صمیمی ملل مقهوره و دشمن پر خطر یغماگری اصول سرمایه داری و بالاخره طرفداری از اخوت بین الملل از جمله نکات برجسته این بیانیه است. این بیانیه در ۱۴ سپتامبر ۱۹۱۱ بروژنامه "سوسیال دمکرات کارگان مرکزی حزب بلشویک روسیه فرستاده شده و چاپ میشود.

در سال ۱۹۱۲ حزب سوسیال دمکرات کارگری روس (حزب بلشویک) کنفرانس ششم خود را در پراگ تشکیل داد.

حیدر خان عمو اوغلی بوسیله اورژنیکوزه و دونفر دیگر اوضاع ایران را به لنین اطلاع میدهد و قطعنامه ای درباره "حمله حکومت تزاری بایران" صادر شده و از مبارزه سوسیال دمکرات های ایران پشتیبانی شد. ولادیمیر ایلیچ لنین در این کنفرانس قطعنامه ای در این باره پیشنهاد کرد:

"حزب سوسیال دمکرات کارگری روسیه علیه سیاست غارتگرانه دارو دسته تزار که مصمم به خفه کردن آزادی خلق ایران شده و در این مورد از هیچگونه عمل وحشیانه و رذیلانه ای خود داری نمیکند اعتراض می نماید.

کنفرانس تأیید میکند که ائتلاف دولت روسیه با دولت انگلستان که به انحاء مختلف از جانب لیبرال های روس تعریف و تمجید و پشتیبانی میشود بیش از هر چیز علیه جنبش انقلابی دمکراسی آسیا منوجه است و این ائتلاف دولت لیبرال انگلستان را شریک وحشی گریهای خونین تزاریسم میکند.

کنفرانس همدردی کامل خود را نسبت به مبارزه خلق و بویژه مبارزه حزب سوسیال دمکرات ایران که در مبارزه با زورگويان تزاری این قدر قربانی داده است اعلان میدارد.

پس از انقلاب مشروطیت دولت های امپریالیستی روسیه و انگلستان علناً در امور ایران دخالت کرده و خفقان شدیدی بوجود آوردند و تعداد زیادی از اعضا حزب سوسیال دمکرات توسط قزاقان روسی و داخلی از بین رفتند مثلاً در تبریز بیش از ۹۰٪ اعضا "مرکز غیبی" بوسیله قزاقان روسی از میان برداشته شدند. فعالیت سوسیال دمکرات ها در داخل کشور ضعیف شد. در حالیکه در خارج ایران و بخصوص در منطقه قفقاز سوسیال دمکرات ها بفعالیت خود ادامه دارند.

حیدر عمو اوغلی پس از شروع جنگ بین الملل اول بایران بازگشت (۱۹۱۵) و در نهضت ملیون مهاجرین زاند امری که در آن زمان در مشرق بازی میکرد و در قم مرکز مقاومت و مبارزه علیه استعمارگران روسیه تزاری و انگلستان تشکیل داده بودند شرکت فعال نمود. در جریان این جنگ ها حیدر خان دستگیر شد ولی توانست از زندان فرار کند.

ولی را در ارتش بیگانگان با ایران شرایط جدیدی بوجود آمد، هسته های مقاومت در نقاط مختلف ایران علیه سروه های تزاری و انگلستان تشکیل شد و بار دیگر مبارزه علیه امپریالیسم و ارتجاع داخلی اوج گرفت و سوسیال دموکراسی ایران سیر رشد جدیدی کرد.

بطور کلی باید گفت که جنبش سوسیال دموکراسی در ایران از ابتدا (۱۹۰۴ - ۱۹۰۵) تحت تأثیر جنبش سوسیال - دموکراسی روسیه قرار گرفت. ولی شرایط سیاسی اقتصادی و اجتماعی عقب مانده ایران، ضعف کمی پروتاریا و عدم تشکل و آگاهی سیاسی او باعث شد که این جنبش در ابتدا، بصورت جنبشی دمکراتیک ظاهر نماید ولی جنبش سوسیالیستی آن بتدریج طی مبارزات ۱۰ - ۱۵ ساله اثر توانست رشد کند.

این جنبش بطور عمده توسط کارگران ایرانی که در مناطق صنعتی قفقاز کار میکردند، توسط روشنفکرانی که در روسیه تزاری و اروپا تحصیل میکردند و نیز بلوک سوسیال دموکرات های انقلابی روس، در ایران بوجود آمد.

از خصوصیات این جنبش این بود که در جریان انقلاب مشروطیت بوجود آمد و با شرکت در انقلاب رشد کرد و مشخص تر شد. سوسیال دموکراسی ایران در چارچوب یک حزب متشکل تا به آخر فعالیت نکرد. در ابتدا حزب "اجتماعیون عامیون" که در قفقاز تشکیل شده بود و در نقاط مختلف ایران بخصوص در مناطق شمالی فعالیت و سازفاندگی میکرد رهبری جنبش را بعهده داشت ولی شعب مختلف آن، مرامنامه و اساسنامه واحدی نداشتند. جمعیت های مجاهدین که در تبریز و مشهد و سایر نقاط شمالی فعالیت میکردند، جمعیت های توده ای بودند که برای پیشبرد امر انقلاب مشروطیت یعنی تحت شعارهای دمکراتیک و زیر رهبری سوسیال دموکرات ها بفعالیت مشغول بودند.

جنبش سوسیال دموکراسی بتدریج در سه جهت رشد کرد:

۱ - عده ای از سوسیال دموکرات ها که مرکز ثقل آنها بطور عمده در بین کارگران ایرانی در قفقاز بود و با سوسیال - دموکرات های انقلابی روسیه تماس نزدیک داشتند و به جهت گیری سیاسی جنبش اهمیت میدادند. آنها کوشش میکردند انقلاب مشروطیت را عمیق تر کرده عناصر سازشکار را از جنبش دور نمایند. آنها بعد از پایان انقلاب مشروطیت بمبارزه خود علیه دخالت های امپریالیست های انگلیس و روس ادامه دادند. حیدر عمو اوغلی و اسداله غفارزاده از جمله این سوسیال دموکرات ها بودند که بعدها با سرنگون شدن تزاریسم در روسیه در فوریه ۱۹۱۷ حزب عدالت را تشکیل دادند و بدین طریق پایه حزب طبقه کارگر ایران، حزب کمونیست را ریختند.

۲ - گروه های کوچک دیگری از جمله گروه سوسیال دموکرات در تبریز که در سال های ۱۹۰۸ فعالیت میکردند و خود را مارکسیست میدانستند و با پلخانیف و لائوتسکی ارتباط داشتند و بعضی از آنها نیز توانستند با حزب سوسیال دموکرات کارگری (بلشویک) روس تماس هائی برقرار کنند ولی فعالیت آنها در مراحل بعدی بچشم نمی خورد. دایره فعالیت آنها محدود بتبریز بود. کسانی نیز در روزنامه "ایران نو" ارگان حزب دموکرات مقالاتی راجع به مارکسیسم مینوشتند که تحت تأثیر سوسیالیست های اروپائی بودند ولی فعالیت سازمانی آنها روشن نیست.

۳ - دسته سوم را کسانی تشکیل میدادند که وابسته به بورژوازی ملی و خرده بورژوازی ایران بودند. فعالین این افراد که در جمعیت های مجاهدان وابسته بحزب "اجتماعیون عامیون" بودند، بعد از انقلاب مشروطیت با سایر عناصر دموکرات در حزب دموکرات ایران که در سال ۱۹۰۹ تأسیس شد بفعالیت پرداختند. خواست های آنها از خواست های دمکراتیک تجاوز نکرد.

بنا بر این دوران ۱۰ - ۱۵ ساله فعالیت های جنبش سوسیال دموکراسی را در ایران باید چنین خلاصه کرد: بسط شعارهای دمکراتیک - مراحل اولی نفوذ سوسیالیسم علمی و بالاخره تلفیق دو جنبش دمکراتیک و سوسیالیستی بسط ایجاد حزب عدالت.

حزب عدالت

چنانچه دیدیم نفوذ اندیشه های مارکسیستی در بین روشنفکران وزحمتکشان ایران و ایجاد تشکل های سیاسی از اوایل سال های قرن بیستم شروع شد و در جریان مبارزه خلق های ایران برای رهائی ملی رشد و توسعه یافت. اشغال ایران توسط نیروهای امپریالیستی در جنگ اول جهانی، تشدید تضاد خلق، امپریالیسم و مرتجعین داخلی، رشد جنبش های ملی و وجود نداشتن ستاد سیاسی واقعا انقلابی که میتواند مبارزات مردم را رهبری کند، شرایطی بودند که تشکیل یک حزب سیاسی انقلابی را که پای در عمل گذارد و توده های مردم را رهبری نماید ضروری می نمود.

در سال ۱۹۱۱ با نام «مشرق انقلابی» حزب «احتمالیون» نامی در ایران با برپایی از آن حزب، دست به سازماندهی نویی زدند و بدین ترتیب حزب عدالت بوجود آمد. در بنیان گذاری حزب عدالت سوسیال دموکرات های انقلابی قدیمی شرکت داشتند، از آن جمله است اسداله غفارزاده اردبیلی یکی از شرکت کنندگان فعال در رد کردن «ایسکرای» لبنی از راه تبریز و اردبیل به باکو.

حزب عدالت کمی بعد از تشکیل قادر شد در بین کارگران ایرانی صنایع نفت باکو تشکیلات بوجود آورد و سمت رهبری صحیح انقلابی توانست رشد دهنده جنبش سوسیال دموکراسی انقلابی میهن ما گردد.

حزب عدالت در نقاط مختلفی از جمله تهران، تبریز، رشت، مشهد، انزلی، آستارا، کرگان، قوچان، اردبیل و زنجان دارای تشکیلات بوده و فعالیت میکرد ولی بطور عمده از اوایل تشکیل شدنش تا آزاد شدن آذربایجان (شوروی) فعالیت آن در بین کارگران ایرانی صنایع نفت باکو و در بین مهاجران ایرانی (و کارگران فصلی) در باکو، تفلیس، عشق آباد، تاشکند، قزاقستان و ترکستان متمرکز بود. در بحبوحه انقلاب روسیه دارای ۶۰۰۰ نفر عضو بود. در آوریل ۱۹۱۸ حزب تصمیم به اشغال کسولگری ایران در باکو گرفت و به آن حمله کرد. دو ماه بعد مجدداً به کسولگری حمله کرد و آنرا اشغال نمود و کسول ایران «محمد سعید» را مجبور به ترک آنجا نمود.

عده ای از رهبران حزب عدالت در سال ۱۹۱۸ این افراد بودند: اسداله غفارزاده، جعفرزاده، میر جعفر (پیشه وری)، ۴ برادران آقایی، حسن نیک بین و حیدر عمو اوغلی.

بفاصله چند روز بعد از اشغال کسولگری ایران حزب کمیته ای به رهبری جعفرزاده برای ملاقات و مذاکره با کوچک خان روانه ایران نمود ولی جعفرزاده رهبر کمیته در سر راه خود به انزلی در آستارا مورد سوء قصد قرار گرفت و کشته شد. پس از کشته شدن جعفرزاده، میر جعفر (پیشه وری) رهبری حزب را بدست گرفت.

«بئرق عدالت» روزنامه ارگان حزب سمت تبلیغاتی خود را متوجه کارگران و همچنین انقلابیون هدر مشروطیت میگرد. با تجاوز عثمانی ها در سال ۱۹۱۲ قدرت حزب ضعیف شد ولی در اواخر جنگ و تخلیه ترک ها حزب فعالیت خود را با نشر مجله ای بنام «حریت» (دو هفته یکبار) بزبان های آذری و پارسی آغاز نمود. این نشریه اتحاد کارگران، کمک بغیرا و اتحاد با کارگران جهان و مخالفت با رژیم سلطنتی، روحانیون و اشراف متنفذ را تبلیغ میکرد.

حزب عدالت در فعالیت انقلابی گیلان شرکت نمود. بطور کلی امیل در مورد انقلاب ایران در کتاب «انگلیس ها در ایران» صفحه ۵۳ می نویسد: «از ۵ هزار سرباز دائمی که در اوج جنبش نیروهای نظامی (ارتش) جنبش را تشکیل میدادند بیش از ۶۰۰ نفر بلشویک های ایران متعلق به حزب انقلابی عدالت بودند». در ۱۹۱۹ حیدر عمو - اوغلی از طرف حزب عدالت و به دعوت لنین در کنگره بین الملل سوم در پتروگراد شرکت نمود و بعداً بعنوان هیئت نمایندگی ایران و هیئت اجراییه لنین انتخاب شد.

حزب در دوران فعالیت خود کوشش زیادی برای تشکیل ارتش سرخ در ایران نمود. حیدر خان در نطق خود در میتینگ بین الملل کارگران پتروگراد بمناسبت تشکیل بین الملل کمونیستی در این مورد گفت: «... رفقای عزیز ما موفق شدیم تا کون ۱۳۸۰۰ نفر ایرانی را در صفوف ارتش سرخ متشکل کنیم...». مدارک دیگری در این مورد وجود دارد که می گوید «۱۵ فوریه ۱۹۲۰ در تاشکند در مسجد ایرانیان میتینگ رنجبران ایرانی برپا گردید. ۲۰۰ نفر از کارگران ایرانی حضور داشتند. میتینگ را نماینده کمیته مرکزی اشتراکون (عدالت) علی خان زاده گشود. سپس رفیق مصطفی صبحی از سیاست استیلاگرانه متفقین در ایران و در تمام شرق بیانات و توضیحاتی داد همچنین رفیق سلطان زاده و فتح اله زاده درباره اقتصاد ایران نطقهایی کردند. در آخر از طرف مجلس قرارنامه صادر و قبول شد بعداً به پیشنهاد یک نفر از رفیقان قرار گذاشته شد برای فرستادن بایران یک اردوی سرخ از ایرانیان تشکیل یابد. در همان مجلس ۲۰۰ نفر یعنی همه حاضرین به اردوی سرخ نام نویسی کردند». (نقل از مجله هفتگی شعله انقلاب چاپ سمرقند بزبان فارسی شماره ۳۵ سال دوم مورخ ۲۱ مارس ۱۹۲۰)

حزب عدالت شالوده حزب کمونیست ایران است

در آوریل ۱۹۲۰ دومین کنفرانس سازمان های حزب عدالت در عشق آباد تشکیل گردید. در این کنفرانس که به همت حیدر عمو اوغلی و حسن نیک بین تشکیل شده بود اکثر سازمان های حزب عدالت شرکت داشتند و دستجات متفرق حزب با هم متحد شدند. در این کنفرانس حیدر عمو اوغلی گزارشی درباره اوضاع جاری ایران داد که حساوی توضیح سیاست کشورهای امپریالیستی در خاور بود و به تزه های حیدر عمو اوغلی معروف گشت.

از آگاهی به بسیاری از مسائل سازمانی در این کفرانسر حل شده پافای ماند و حزب فاقد برنامه و اساسنامه بود
کفرانسر تصمیم گرفت کنگره حزب را فراخواند . دستور کار کنگره را بشکل زیر معین کرد :

۱ - تعیین خط مشی تاکتیکی حزب در جنبش رهایی بخش ملی ایران

۲ - روشن حزب نسبت به کوچک خان

۳ - تصویب برنامه و اساسنامه حزب

۴ - انتخاب کمیته مرکزی حزب

این کنگره در ۲۲ ژوئن ۱۹۲۰ در بندرانزلی (بندر پهلوی) تشکیل شد . در این کنگره حزب عدالت نام خود را به حزب کمونیست ایران " عدالت " تغییر داد که بهرور به " حزب کمونیست ایران " بدل شد و بجای ارکان های سابق حزب عدالت ارکان جدیدی بنام " کمونیست " دایر کردید و بدین وسیله دوره جدیدی از فعالیت کمونیست های ایران آغاز گردید .

حزب کمونیست

مبارزات بورژوازی ملی در گذشته بحوبی نشان داده بود که بورژوازی ملی ایران قادر نیست دو توده را به یکی امیرالایسم و دیگری فئودالایسم است از کرده خلو های ستمیده ایران بر دارد .

شکست خرد بورژوازی نیز که تحت شعارهای دمراتیک در انقلاب شرکت کرد ، همه حاکی بر آن است که از این تاریخ بعد این دیگر فقط طبقه کارگر ایران توسط حزب پیش آهنگ کمونیستی آنست که میتواند مبارزات انقلابی توده های وسیع خلق را بسوی پیروزی نهائی علیه امیرالایسم و فئودالایسم رهنمون گردد .

جنبش انقلابی توده های خلق دایه ای بود که انقلابی های حقیقی را طی زمانی نسبتا طولانی در دامن خود پرورش داد بود ، انقلابیونی که با پیشرفت جنبش و فراز و نشیب های آن آبدیده شده و بتدریج با دست یابی به تئوری انقلابی پرولتاریا ، تجربیات خود را جمع بندی نموده و بر موز مبارزات گوناگون توده ای واقف گشته بودند . سر انجام نیز پیگیرترین و فداکارترین و آبدیده ترین این مبارزان انقلابی که بسلاح مارکسیستی - لنینیستی مبارزه مجهز بودند ، حزب کمونیست ایران را بنیان نهادند .

کنگره سر تا سری حزب عدالت در ۳۰ خرداد ۱۲۹۹ (۲۲ ژوئن ۱۹۲۰) در بندرانزلی تشکیل شد و در این کنگره نام حزب عدالت به حزب کمونیست ایران بدل گردید .

کنگره اول در اوج انقلاب گیلان در بندرانزلی با شرکت ۲۰۰۰ عضو و سمیات بریاست آقازاده تشکیل گردید .

در کنگره بحث مفصلی درباره خط مشی تاکتیکی حزب در گرفت . جناح باصطلاح چپ معتقد بود وظیفه ای که در مقابل حزب قرار دارد انقلاب سوسیالیستی است و حال آن که اثریت انقلاب گیلان را جزئی از جنبش رهایی بخش مردم ایران در راه بدست آوردن استقلال سیاسی و اقتصادی میدانست و لذا عقیده داشت که مشی حزب بایستی در جهت تشکیل جبهه واحد از کلیه نیروهای باشد که در مبارزه علیه امیرالایسم انگلیس و فئودالایسم زمینفروندگان ، بمنظور تشکیل این جبهه کنگره شعار " مبارزه بر علیه امیرالایسم انگلیس ، فئودالایسم ، شاه و همدستان آنها " را مطرح کرد .

کنگره قطعنامه هائی برای مبارزه بر علیه امیرالایسم (سرمایه داری جهانی) ، همبستگی با شوروی ، مخالفت با انگلستان و شاه تصویب کرد .

در این کنگره برای جلب مبارزه عمومی خلق در زیر رهبری حزب کمونیست در تمام ایران ، سیاست های زیر تحت عنوان برنامه حزب بتصویب رسید :

۱ - سرنگون ساختن تسلط امیرالایسم

۲ - مصادره تمام مؤسسات خارجی

۳ - شناختن حق بنین الطل در تعیین سرنوشتشان در چارچوب وحدت تمام ملیت ها در درون جمهوری ایران

۴ - ضبط تمام املاک مالکان بزرگ و تقسیم آن بین دهقانان و سربازان انقلابی

۵ - اتحاد با شوروی و جنبش بین المللی پرولتری

در این کنگره سلطان زاده گزارش جامعی درباره هدف های میرزا کوچک خان مبنی بر اجرای انقلاب بورژوا دمراتیک با همکاری خان های مختلف ، زمین داران و اربابان فئودال ، بر این اساس که بایستی در مبارزه با شاه و انگلستان

تمام ملت باید متحد شوند دارد .

" در ککړه اعلام شد که حزب کمونیست مسلما نمی تواند چنین ناکثیکی را مورد تأیید قرار دهد . زیرا هر انقلابی در کشورهای عقب افتاده کشاورزی که ستم فئودالی را از میان بر ندارد و ملیون ها دهقان را آزاد نشد محکوم بشکست است ، آزاد کردن دهقانان با کمک اربابان فئودال توهمی است که حزب ناکثیر به مبارزه با آن است ."

ککړه کمیته مرکزی حزب را مرکب از ۱۵ نفر به رهبری سلطان زاده و دبیری کامران آقایی و میرجعفر پیشه وری (جوادزاد) انتخاب نمود .

در آخر ککړه پیامی به لنین و نریمان نریمانف فرستاد و هر دو را به عضویت کمیته مرکزی برگزید .

ما در اینجا نکات برجسته " بیاننامه و پیشنهادات حتی الاجرای کمیته ایالتی خراسان فرقه اشتراکیون اکثریون ایران عدالت " را که بتاريخ اول دیقعد ۱۳۳۹ (۱۹۲۱) صادر شده است می آوریم . این سند در حقیقت متعلق به بعد از ککړه اول حزب کمونیست است و می تواند بخوبی منعکس کننده موضع گیری حزب کمونیست باشد .

در قسمت اول بیاننامه پس از تحلیلی از اوضاع سیاسی ، اقتصادی و اجتماعی ایران هدف حزب کمونیستی بلشویکی ایران چنین بیان میشود :

" مقصد فرقه اشتراکیون ایران : مقصد این فرقه مقدس آن است که یک حکومتی تشکیل بشود در ایران از خود فقرا و زحمتشان ایران نه این که از دولتمدان و مفتخوران . این وضع مالیه را در نظر میگیرد می بیند حکومت ظالمة استبدادی سلطنتی در ایران برپاست و در نقاط مختلف مملکت هنوز قوای مسلح اجنبی موجود است و حکومت مستبد شاه را محافظت و محاربت میکند ."

خط مشی سیاسی

با تکیه بازیایی شرائط اجتماعی - اقتصادی - سیاسی ایران و تسلط امپریالیسم انگلستان و حکومت فئودال ها و وابستگان مالی امپریالیسم در ایران و با در نظر گرفتن این تسلط بیاننامه باین نتیجه میرسد که تمام طبقات (کارگران عمه جات ، رعایا و زارعین ، کسبه و تجار ، ضررالفکران) زیر استعمار و ستم شدید امپریالیسم و وابستگان آن شاه و مالکین قرار دارند و سپر موفق باین نتیجه گیری صحیح در مورد مرحله انقلاب میگردد :

" ... وقتی که این مسائل را در نظر بگیریم بخوبی معلوم میشود که دوره اول انقلاب ایران انقلاب ملی (دیموکراسی) خواهد شد . فرقه اشتراکیون ایران این انقلاب دیموکراسی را همه نوع کمک و همراهی خواهد کرد و کوشش خواهد کرد که در صف این انقلاب دهاقین و زارعین زیاد داخل بشوند چون که بالاخره اتحاد و اتفاق آنها زیر بیرق کامونا خواهد شد . " و سپر تئوری انقلاب پیوسته را مطرح میکند و مرحله گذار به انقلاب سوسیالیستی از انقلاب ملی را بدرستی نشان میدهد : " ... و پس از آن که دشمن عمومی و خارجی رفع شد و فتح و نصرت انقلابچیان محقق گشت آنوقت این مبارزه ملی بدل بمبارزه صنفی خواهد گردید .

آنوقت است که صنف عمه جات و زحمتشان بیرق سوسیالیستی را بلند کرده و برای رسیدن به مقصد اصلی هر مانع و فرقه که در مقابل باشد رفع کرده و معارضین را محو نموده و بطرف مقصد اصلی یعنی اسامر سوسیالیستی و کامونیستی خواهد راند . "

نکات اساسی و مهم دیگر بیاننامه :

- تشخیص تضاد عمده بین خلق و امپریالیسم که بایران تجاوز کرده بود و وظیفه فوری حل این تضاد یعنی مبارزه علیه امپریالیسم : " نابود باد ظالمین - چون عمده سبب خرابی امروز ایران انگلیس های ظالم هستند بر ما لازم و واجب است که با تمام قوا کوشش کنیم تا این مهمان ناخوانده را بیرون نمائیم . "

- تشخیص صحیح نیروهای انقلابی و تأیید روی دهقانان بعنوان نیروی عمده و اتحاد بین کارگران و دهقانان :

" رعایا و زارعین مظلوم را که مرکب از چندین ملیون است بیکدیگر متفق کرده و تشکیل انجمن های محکم دهاتی ها بدهیم و کوشش نمائیم که رعایا حالی شده بدانند جهالت و خرابی که شاه با اعوان باوفای اطرافتر سال های ملت مظلوم را در آن نگاهداشته بودند بآخر رسیده و بایستی به آنها بفهمانیم که همچنان که یک دسته چوب وقتی بهم پیوسته باشد آنرا نمیتوان در هم شکست مگر آن که آنها را از هم جدا کرده و تک تک نمود همین طور تمام ظلم هائی که بآنها میشود بواسطه تنهائی و یکه بودن است اما دسته جات متفقه متشکله کارگران و رفقای متحد فقرا را که برای مبارزه با دشمنانشان تشکیل میشود ، شکستن غیر ممکن است " (تکیه روی کلمات از ماست) .

— تشحیر صحیح نیروهای ضد انقلاب . " حکومت متشکله از خوانین و سرمایه خارجی را بایستی بکلی از قلب مجسروح رعایای مظلوم خارج کرده تا ملت آزاد ایران با اختیار خودش هر قسم حکومتی که بخواهد تشکیل بدهد که آن حکومت از خود ملت و تابع رأی و میل ملت باشد . "

— برنامه ارضی صحیح برای بسیج دهقانان و طرح شعار " زمین مال زارع است " . بایستی تمام اراضی زراعتی تقسیم شود در میان زارعین زحمتکش بقدریکه هر زارع با خانواده خودش بتواند آن زمین را بکارد . مالکین بی انصافی کسه عده آنها در ایران بیش از سه چهار ملیون نیست ولی هرکدامشان چندین پارچه املاک متعدد ، صدها و هزارها رعیت که این اراضی را میکارند در اختیار خودشان دارند بایستی تمام آنها را دستشان را کوتاه کرد و تمام مایملک آنها را از منقول و غیر منقول جان دار و بی جان همه را مجاناً تقسیم کرد میان همان رعایای زحمتکش . املاک خالصه و موقوفات را نیز که مأمور یا مجتهدین مفتخور در دست گرفته و میخورند بایستی با اختیار ملت واگذار شود . "

— برخورد صحیح به مسئله ملی و انترناسیونالیسم

" اختلافات ملی آلت دست حکومت های جهان گیر است که با این آلت همیشه برای منفعت و هوا پرستی خود يك ملت را با ملت دیگر بجنگ وامیدارند .

و همین مسئله ها باعث آنست که هیچوقت نگذارد يك ملتی با ملت دیگر یعنی زحمتکشان و فقرای عالم بهم نزدیک شده و با یکدیگر اتفاق کنند .

ولی طبیعت صلح را در فقرای کاسه که تشکیل يك هیئت جامعه و يك خانواده بشری میدهند بزودی ملتفت میشوند که دشمن آنها نیست و دوست آنها کدام است . . . باید دانست که مدت های مدیدی است که کلمات زایل با قطرات خون سرخ نوشته شده .

فقرای کاسه و ملل مظلومه شرق متحد شوید !

زنده باد تشکیلات عالییه متفقه ملت قدیم ایران و ملل مظلومه شرق !!! "

— تشکیل ارتش خلق بسیج کردن دهقانان و تمام زحمتکشان

" بایستی قشونی که با پول ملت و رسم خوانین جمع شده و امروز محافظت سیاست سرمایه داران خارجه را میکند متفرق کرد و در عوض آنها لازم است عموم زحمتکشان و زارعین را مسلح کرد تا آزادی که گرفته اند حفظ نمایند و حملات دشمن را رد کنند . "

همین چند نکته برجسته از بیاننامه حزب کمونیست بلشویک ایران (کمیته ایالتی خراسان) نشان دهنده خط سیاسی درست آن حزب در دوران حیات اولیه آن میباشد .

دوران فعالیت حزب کمونیست را میتوان به دو دوره تقسیم کرد :

۱ - دوره از لشکره اول ۱۹۲۰ تا تشکیل ککهره دوم ۱۹۲۷

۲ - دوره تجدید فعالیت حزب پیر از ککهره دوم تا سرکوب آن ۱۹۳۱

دوره اول از نظر فعالیت سیاسی حزب بایستی بدو مرحله متمایز تقسیم شود :

الف - دوران شرکت در حکومت گیلان و انقلاب مسلحانه

ب - دوران فعالیت در راه توسعه و تحکیم سازمان های حزبی و فعالیت علنی

الف - شرکت حزب کمونیست در حکومت انقلابی گیلان و انقلاب مسلحانه

رشد و سرانجام انقلاب گیلان رابطه مستقیم با شرکت حزب کمونیست ایران در حکومت انقلابی و مناسبات میان

حزب کمونیست و نیروهای میرزا کوچک خان جنگلی دارد . برای بررسی این موضوع میتوان سه مرحله جداگانه را تمیز داد :

۱ - مرحله تشکیل حکومت انقلابی در چارچوب جبهه واحد ، همکاری میرزا کوچک خان با حزب کمونیست . ۲ - مرحله

تشکیل حکومت انقلابی بدون شرکت میرزا کوچک خان . ۳ - تشکیل مجدد جبهه واحد و حکومت انقلابی آن .

مرحله اول ژوئن ۱۹۲۰ تا ۱۹ ژوئیه ۱۹۲۰

برقراری جمهوری و تشکیل حکومت انقلابی در گیلان واقعه ای بود که در سراسر ایران طنین افکند و توجه

آزادی خواهان و مردم انقلابی را بسوی گیلان جلب کرد . این حکومت هدف اولیه خود را مبارزه با امپریالیسم انگلیس،

قرار داد ننگین ۱۹۱۹ تعیین کرد و خواستار برچیدن بساط سلطنت و ایجاد جمهوری شد .

حکومت انقلابی گیلان متکی به جبهه واحدی بود که به ابتکار حزب کمونیست تشکیل شد . در مجموع رهبری جبهه در

دست حزب کمونیست نبود. نیروهای تشکیل دهنده جنبه عبارت بودند از حزب کمونیست، نیروهای میرزا کوچک خان جنگلی، احسان اله خان و خالو قربان که آخری در رأس کارگران کتیراکن کرمانشاهی بود.

حکومت انقلابی متشکل از ۱۰ کمیسر و یک شورای جنگی سه نفری بود: ۱. کمیسر عبارت بودند از کمیسر داخله - میرزا شمس الدین، کمیسر خارجه - سید جعفر، کمیسر مالیه - میرزا محمد علی پیر بازاری، عدالت - محمد آقا، پست و تلگراف و تلفن - نصراله، فرهنگ - حاجی محمد جعفر، رفاه عامیه - میرزا محمد علی خمایی، تجارت - میرزا ابوالقاسم فخرائی.

"شورای جنگ" از میرزا کوچک خان - صدر، احسان اله خان - فرمانده ارتش و جواد زاده تشکیل میشد. قدرت واقعی دولتی را یک کمیته ۹ نفری از جمله کوچک خان، احسان اله خان، جواد زاده و ابراهیموف، صاحب بودند.

عمر جنبه واحد و در نتیجه این ترکیب حکومت انقلابی دیری نپائید. سیاست های نادرست نیروهای متحد در جنبه آنچنان تزلزلی در اساس آن بوجود آورد که جنبه واحد بهم خورد. بسط و توسعه نیروهای کمونیستی، انتشار روزنامه "کامونیست" در رشت به مدیریت میر جعفر جواد زاده (پیشه‌وری)، پیروی حزب کمونیست از سیاست "چپ" - روانه سلطان زاده دبیر اول حزب، عطیات آوارشیستی احسان اله خان و پیروانش از یسوی و تزلزل و عدم قاطعیت میرزا کوچک خان و بطور کلی نمایندگان بورژوازی ملی و خرده بورژوازی بویژه نمایندگان قشرهای دینی از سوی دیگر از جمله همل بهم خوردن جنبه واحد بودند.

رهبران نیروهای جنگ که قبل از هر چیز نماینده منافع بورژوازی ملی، بازرگانان و مالکین متمدنی بودند از تعمیق جنبش هراس داشتند و تمایلی به بهبود واقعی وضع زحمتکشان نداشتند. با آن که لویه زمین های مالکین فراری مصادره میشد ولی عملا دهقانان نصیبی از آن نمیدادند، زیرا بار سنگین مالیات ها که حکومت انقلابی به مالکین باقی مانده بسته بود غیر مستقیم بدوش دهقانان افتاد و این امر خود باعث دلسردی تدریجی آنها از انقلاب گردید.

بخیر از اختلاف بر سر مسئله مصادره و تقسیم زمین و املاک و مستقلات مالکین بین دهقانان و سربازان انقلابی که بیسن کوچک خان و دیگر سران انقلاب گیلان وجود داشت، اختلاف دیگری هم بر سر روش دولت جدید نسبت به مذهب وجود داشت. در هفته اول عمر خود رژیم ۲۱ مسجد را بست و اجرای مراسم مذهبی را قدغن کرد و فرمان کشف حجاب اجباری زنان را داد. روحانیون که با این روش مخالف بودند در ملاعام مسخره میشدند. بطوری که از یکی از نامه های کوچک خان پس از استعفای او به احسان اله خان بر می آید این مسئله یکی از اختلافات مهم بوده است. کوچک خان چنین مینویسد:

"من همیشه عقیده داشته ام و هنوز هم دارم که افکار عامه هر نهضت ملی را پیشرفت میدهد نه آهن و آتش - تبلیغات صادقانه و نجیب مردم و احترام بعقاید و عادات ملی و مملکتی مؤثر تر از صدها هزار قشون و آلات فاریه است. عقاید و عادات ملی اهالی مشرق زمین و خاصه ایرانی ها که همیشه مذهبی اند زیر بار هیچگونه مرام افراطی و خشن و تنگ نظرند. لویه نهضت ها یا برای دفع دشمن است یا برای رسوخ عقیده - دفع دشمن جنگجوی لازم دارد و رسوخ عقیده ملاطفت آن هم بمرور زمان - بعد از بررسی وقایع گذشته و مطالعه آنچه را که دیوانی نوشته شده، آیا باز هم تردید دارید که روش متخذه از طرف اینجانب موافق مصالح انقلاب بود؟"

از سوی دیگر عده ای از کمونیست ها بخصوص جناح رهبری حزب کمونیست (سلطان زاده - آقاییوف...) معتقد بودند که انقلاب گیلان انقلاب پرولتری است و حکومت را تشویق به یک سلسله اقدامات شدید علیه خرده مالکان (مالکان متوسط) و بورژوازی میکردند و با سیاست چپ روانه خود این طبقات را که متفقین آنروزی جنبش بودند از آن دور میساختند. با وجودی که این تذکره اول حزب رد شده بود این گروه که در رهبری حزب قرار گرفته بود علا خلاف مصوبات کنگره عمل میکردند و مانع کوشش حزب برای همکاری و بهبود مناسبات با کوچک خان بودند.

نفوذ این عقاید در سیستم حکومت انقلاب و عملا متمرکز شدن تمام قدرت در دست احسان اله خان - جواد زاده و همکارانشان باعث تقویت جنبه سازشکارانه کوچک خان گردید و در خفا دست با اقداماتی برای سازش با دولت مرکزی زد و با سردار فاخر حکمت که حامل پیامی از جانب مشیرالدوله (نخست وزیر وقت) بود ملاقات کرد و چون این اقدامات مورد مخالفت شدید احسان اله خان و دیگر سران انقلابی گردید در ۱۹ ژوئیه ۱۹۲۰ از صدر حکومت گیلان استعفا کرد و به جنگ بازگشت و بدین ترتیب مرحله اول جنبه متحد انقلابی و حکومت انقلابی حاصل، از هم پاشید.

مرحله دوم - اواخر زوئیه ۱۹۲۰ تا اواسط ائیر ۱۹۲۰

با استعفای کوچک خان حبشه، واحد بین حزب کمونیست - جنگل از هم پاشید. با نوش کمونیست ها کمینه جدیدی بنام " کمینه نجات ملی ایران " رهبری احسان اله خان تشکیل شد. اعضا این کمینه را بیشتر از هوا داران سلطان زاده تشکیل میدادند. در این کمینه میرجعفر جواد زاده (پیشه وری) و کامران آقا زاده شرکت داشتند. در تاریخ ۳۱ ژوئیه ۱۹۲۰ حکومت جدید کیلان زیر رهبری احسان اله خان تشکیل گردید. بجای کمیسرهای سابق ۷ کمیسر جدید از بین کمونیست ها و گروه کوچکی از جنگلی ها بریاست خالو قربان جایگزین آن گردید. هیئت دولت انقلابی بقرار زیر بودند: احسان اله خان - سر کمیسر و کمیسر خارجه - خالو قربان - کمیسر جنسک - سید جعفر (محسنی) - کمیسر پست و تلگراف - جواد زاده (پیشه وری) - کمیسر کشور - آقا زاده - کمیسر دادگستری - بهرام آقایی - کمیسر فوائد عامه - حاجی محمد جعفر شکاوری - کمیسر فرهنگ.

برنامه دولت جدید: ۱ - سازماندهی ارتش ایران مانند تشکیلات ارتش سرخ روسیه و حمله به تهران
۲ - لغو اختیارات مالکین الغاء اصول ملوک الطوائفی

۳ - رفع احتیاجات اصلی کارگران شهر و ده

دولت جدید دارای دو نشریه بود " کامونیست " و " انقلاب سرخ " دو کمینه قدرت دولتی را بدست داشتند یکی " کمینه انقلاب " که مسئول اجرای امور ایدئولوژیکی رژیم بود. ۲ - کمینه دیگری بنام " شعبه مخصوص " که نظارت ارگان های دیگر مانند سازمان جوانان کمونیست، واحد های ارتش را بعهده داشت و برای دفاع از حکومت انقلابی آماده میکرد. از یک طرف با شرکت عده بیشتری از جناح سلطان زاده در رهبری کمینه جدید، چپ روی رهبری ادامه پیدا میکند و بعد شمال میرسد و از طرف دیگر شلاف در حکومت ملی و خروج کوچک خان با نیروی خود از ترکیب ارتش انقلابی، دولست و انگلیس ها را امیدوار ساخت و نیروهای متحد دولت و انگلیس ها در " منجیل " دست به تضرع زدند. در این نبرد (اول اوت ۱۹۲۰) پیروزی بزرگی نصیب ارتش انقلابی گردید، ولی چپ روی و ماجراجویی گروه احسان اله خان که در صدد بر آمدند بدون تحلیل مواضع بدست آمده به پیشروی بطرف مرز ادامه دهند نه تنها نتایج حاصله از این پیروزی را خنثی کرد بلکه منجر بشکست نیروهای انقلابی و از دست دادن کلیه مواضع آنها در شهر رشت گردید و در نتیجه مرحله دوم انقلاب کیلان و کمینه انقلابی آن در اثر ادامه چپ روی رهبری حزب کمونیست از یک طرف و چپ روی احسان اله خان از طرف دیگر با شکست مواجه گردید.

علت عده شکست این مرحله از جنبش را باید در اتخاذ سیاست اپورتونیستی " چپ " رهبری حزب کمونیست بسرزدگی سلطان زاده دانست. این سیاست درک صحیحی از مرحله انقلاب نداشت و مرحله انقلاب دمکراتیک ملی را بدستنی از مرحله انقلاب سوسیالیستی که مرحله بعدی انقلاب را تشکیل میداد، تمیز نداد و در نتیجه نتوانست مرز میان دوست و دشمن را بطور صحیح بکشد و بر اساس آن سیاست ها و تاکتیک های خود را پایه ریزد.

مرحله سوم - از ۶ مه ۱۹۲۱ تا شکست انقلاب کیلان

مهمترین وقایع سیاسی در تاریخ حیات حزب در این دوران تشکیل پلنوم کمینه مرکزی حزب در تاریخ ۱۱ نوامبر ۱۹۲۰ بود.

در نتیجه اعتراضات توده حزب از یک طرف و شکست جنبش کیلان از طرف دیگر چند ماه بعد از شکست اول در تاریخ ۱۱ نوامبر ۱۹۲۰ پلنوم کمینه مرکزی حزب کمونیست تشکیل شد. درنتیجه این پلنوم در ترکیب رهبری حزب کمونیست ایران تغییرات اساسی داده شد و حیدر خان عمواعلی بسمت دبیر کل و صدر کمینه مرکزی حزب انتخاب گردید. در رهبری جدید علاوه بر حیدر خان اشخاص جدیدی مانند حسن نیک بین و محمد آخوند زاده شیرازی و محمد رسول و دیگران وارد میشوند. از ترکیب کمینه مرکزی منتخب کنگره اول جواد زاده (پیشه وری) و چند نفر دیگر باقی میمانند. سلطان زاده و آقایی ها و چند نفر دیگر از کمینه مرکزی اخراج میگردند.

حیدر خان بمنظور روشن کردن سیاست و روش حزب در مرحله آنروزی انقلاب کیلان تزهائی به پلنوم کمینه مرکزی حزب تقدیر نمود و از تصویب آن گذراند. در این تزها تصریح شده بود که تاتیک حزب در مرحله فعلی عبارت است از متحد ساختن همه طبقات از پرولتاریا گرفته تا بورژوازی متوسط برای مبارزه علیه سلطنت قاجاریه و امپریالیسم درائتلاف با احزاب دوست چپ و رهبران جنبش رهائی بخش ملی. در تزهائی حیدر ضرورت انقلاب و رفم فلاحتی مبنی بر تقسیم املاک مالکین بزرگ بین زارعین مقدم شمرده میشود.

با تشکیل پلنوم کمیته مرکزی و تغییر در رهبری حزب کمونیست و انتخاب حیدر خان عمو اعلی به عنوان صدر کمیته مرکزی حزب، انقلاب گیلان وارد مرحله سوم خود میگردد.

لوشن جدی رهبری حزب و شخص حیدر خان برای احیای مجدد جبهه واحد منجر به نتیجه شد و در تاریخ ۶ مه ۱۹۲۱ موافقت نامه ای بین سران انقلابی گیلان با امضا رسید. خلاصه آنرا در زیر میآوریم:

" موافقت نامه بین دستجات انقلابی انقلاب گیلان

انشعاب و اختلاف بین قوای انقلاب ایران موجب اندوه عمیق تمام فعالین انقلاب ایران و نیز باعث صدمه سخت به مردم ستم دیده ایران باستان است. اوضاع سیاسی و اقتصادی زمان بما حتم میکند که مجدداً قوای خود را متحد کنیم، برای مبارزه با دشمنان بشریت و جنگ علیه حکومت اشتراک مساعی نمائیم تا پرچم انقلاب را در پایتخت ایران باهتزاز در آوریم. بدین جهت در ۱۸ ثور مطابق ۶ مه ۱۹۲۱ با در نظر گرفتن منافع انقلاب جهانی موافقت نامه برادرانه و صمیمانه زیر در تحت مواد زیر منعقد نمودیم.

- ۱ - ایجاد کمیته ای بنام " کمیته انقلاب ایران " مرکب از ۵ نفر زیر:
۱ - میرزا کوچک خان ۲ - حیدر خان عمو اعلی ۳ - احسان اله خان ۴ - خالو قربان ۵ - محمدی
- ۲ - اولین وظیفه تمام انقلابیون عبارت است از تشکیل قوای مسلح و تقویت موضع انقلاب و اتحاد اقداماتی که ایالت گیلان بدست ارتش حکومت شاه نیافتد و گیلان پایه گاهی برای مبارزات تعرضی گردد.
- ۳ - استقرار و توسعه مناسبات دوستانه با حکومت های شوروی روسیه و آذربایجان و گرجستان.
- ۴ - انقلاب ایران برای آزادی ملک شرق از ظلم و ستم امپریالیست بملک مادی حکومت های روسیه و آذربایجان و گرجستان نیازمند است.

۵ - بهیچوجه بهیچ دولت خارجی حق دخالت در امور داخلی، سیاسی و انقلاب ایران داده نخواهد شد. بر اساس این موافقت نامه بار دیگر جبهه متحد انقلابی تشکیل میگردد و در تاریخ ۲۱ اکتبر ۱۹۲۰ نیروهای انقلابی در نتیجه تعرض موفقیت آمیز مجدداً رشت را تصرف کردند و بالاخره در ۴ اوت ۱۹۲۱ بار دیگر جمهوری انقلابی گیلان اعلام گردید.

پایه این وحدت هم دیری نپایید. کوچک خان حاضر نشد برشت بیاید و در فومن باقی ماند. احسان اله خان دست به عمل ماجراجویانه ای زد. بدون تصویب و خبر کمیته انقلابی و بدون آمادگی نیروهای خود را برای تعرض بتهران از طرف مازندران حرکت داد، که موجب شکست و پراکندگی قسمتی از ارتش انقلابی گردید. کمیته احسان اله خان را اخراج کرد.

از این پس حزب کمونیست تنها نیروی فعاله کمیته انقلابی شد و به فعالیت وسیعی دست زد. تشکیل اتحادیه های مختلف صنعتی و تارگری و دخالت دادن این اتحادیه ها در تنظیم امور مربوط به کارگران، تبلیغات وسیع در دهات بمنظور روشن ساختن سیاست " کمیته انقلابی " و حزب کمونیست ایران. در نتیجه عده ای را وطلب برای خدمت نظام وارد واحد های کمونیستی شدند و ارتش انقلابی تقویت گردید. چنانچه در پائیز سال ۱۹۲۱ هنگامی که نیروهای دولتی واحد های خالو قربان را در نواحی لاهیجان و لنگرود در معرض حمله قرار دادند واحد های کمونیستی زیر فرماندهی شخص حیدر خان بملک خالو قربان شتافتند و پیروزی در این نبرد از آن ارتش انقلابی شد.

کامیابی های " کمیته انقلابی " و ارتش انقلابی که بدون دخالت کوچک خان بدست آمده بود موجب نگرانی رهبری جنگ شد و زمینه مساعدی برای خرابکاری از داخل نهضت بدست قوام السلطنه و اربابان انگلیسی او داد و موفق شدند کوچک خان را به این نیت که حیدر خان و کمونیست ها قصد نابودی او را دارند فریب داده و او را به خیانت بانقلاب وا دارند.

چنانچه در هر مرحله مختلف انقلاب گیلان دیدیم تزلزل و دوگانگی بورژوازی در جریان انقلاب گیلان در وجود رهبری جنگ چندین بار بظهور رسید. اکنون تجربه این انقلاب خاصیت دیگر آنرا نیز آشکارا نشان داد. رهبری جنگ خیانت بانقلاب را هنگامی که احتمال کامیابی برای کمونیست ها میرفت بر مبارزه با ارتجاع و امپریالیسم ترجیح داد. در تاریخ ۲۹ سپتامبر ۱۹۲۱ کمیته انقلابی با نقشه قبلی از طرف کوچک خان و سران جنگ ظاهراً برای تشکیل جلسه نوبتی کمیته به " پسیخان " دعوت شد. خانه ای که نمایندگان کمیته در آن جمع بودند (در ملاسرا) بدستور کوچک خان آتش زده شد. سرخوثر همکار خالو قربان در آتش سوخت. خالو قربان موفق بفرار شد و حیدر خان که در حین فرار

رحمی شده بود بدست افراد مسلح کوچک خان بتل رسید .

بدین ترتیب رهبر حزب کمونیست ایران ، حیدر خان يك انقلابی بزرگ که بیش از ۲۰ سال از عمر ثوانه خود را در راه رهایی ملت ایران و آزادی زحمتکشانش گذاشته بود ، در راه خلق جان خود را فدا کرد . او چنانچه سراسر تاریخ زندگانش نشان میدهد ، "چکیده" انقلاب بود . " حیدر خان بلشویکی تمام عیار بود بدشمنان خلق نفرتی بی پایان داشت و به توده ها عشقی عمیق میورزید . سراسر زندگانی او مبارزه است و مبارزه و باز هم مبارزه ای خستگی ناپذیر . او انقلاب قهرآمیز را تنها راه رهایی ستمکشانش میدانست و خود از جمله رهبرانی بود که در زیر و بم فن قهر انقلابی و اصول نظامی کار آزموده بود . حیدر خان آتشی بود که بهر کجایم رسید اطراف خود را میسوزاند و با سبک تهور داشتن در نبرد توده های انقلابی را برای مبارزه مسلحانه بسیج میکرد . حیدر خان عمیقاً از اعتماد توده ها برخوردار بود . ستارخان این اعتماد را با کلامی فشرده چنین بیان داشته است : " آنچه حیدر خان بگوید همان است . "

کوچک خان برشت حمله کرد ولی در مقابل نیروهای خالو قربان مجبور به عقب نشینی گردید . نیروهای دولتی با استفاده از این وضع تعرض خود را آغاز کردند و اکنون دیگر به پیشنهاد کوچک خان برای مذاکره و صلح جواب رد دادند ، در عوض خالو قربان که او نیز وارد مذاکره شده بود مورد ملاطفت رضا خان قرار گرفت و با درجه "سرهنگی" بارش ایران پذیرفته شد و بعداً به آذربایجان به جنگ "سمینکو" اعزام گشت که همانجا کشته شد . کوچک خان در نوامبر ۱۹۲۱ در حین عقب نشینی در توده های طالش از سرما جان سپرد و سر بریده اش را بهرگز بردند و بدین ترتیب بزرگترین جنبش انقلابی مردم ایران در مناطق گیلان در اثر خطاهایی که ذکر شد شکست خورد .

چرا انقلاب گیلان نتوانست گسترش یابد ؟ علت اصلی را باید در مسئله "دهقانان یافت" نفوذ حزب کمونیست در میان دهقانان ضعیف بود و بموقع قادر نشد نیروی عظیم دهقانی را به جنگ انقلابی کشاند . با نداشتن دهقانان ، حزب کمونیست در جنبه "واحد باندازه" کافی قوی نبود و در نتیجه جنبه "واحد تحت رهبری عناصر وابسته به بورژوازی ملی و خرده بورژوازی" قرار گرفت . رهبری حزب کمونیست در مشی سیاسی خود نسبت به بورژوازی ملی و خرده بورژوازی در مرحله اول و دوم حکومت انقلابی گیلان نیز دچار چپ روی شد و بدین ترتیب شرائط را برای تقویت جنبه سازشکاری بورژوازی بوجود آورد . سازشکاری ، تنزل و منافق بودن عناصر بورژوائی و خرده بورژوائی به جنبش انقلابی گیلان صدمات جدی وارد آورد . ولی انقلاب گیلان با این که پیروزی نرسید دارای اهمیت بزرگی در تاریخ و در جنبش های انقلابی بویژه در مبارزه "طبقه" کارگر ایران است . برای اولین بار طبقه کارگر ایران توسط حزب خود قادر شد با ایجاد ارتش کارگران - دهقانان از طریق مبارزه مسلحانه و در جنبه ای واحد با طبقات و اقلات انقلابی دیگر قدرت سیاسی را در منطقه ای از ایران بکف آورد .

توجه به مسئله "دهقانان و مهمتر از همه تشکیل "شورای دهقانان" تحت رهبری حزب کمونیست در منطقه گیلان يك گام بزرگ در راه یافتن راه انقلاب ایران و تلفیق خلاق مارکسیسم - لنینیسم بشرائط مشخص يك شورنیمه مستعمره نیمه فئودال بود .

ب- دوران فعالیت در راه توسعه و تحکیم سازمان های حزبی و فعالیت علنی
پس از شکست اول حزب کمونیست موفق شد بر اساس تصمیم شکره و اعزام عده ای بایالت های مختلف فعالیت تشکیلاتی خود را توسعه دهد . پس از پانزدهم تاریخی کمیته مرکزی حزب کمونیست در تاریخ ۱۱ نوامبر ۱۹۲۰ و تغییر در شکل کمیته مرکزی توجه حزب بیش از پیش به توسعه سازمان های حزبی معطوف گردید .
در مارس ۱۹۲۱ کمیته مرکزی حزب قطع نامه ای خطاب به تمام کمیته های خود در سرتاسر شور مبنی بر اهمیت گسترش توده ای (کار ریشه ای) و تشکیل قوری حوزه های کمونیستی و گسترش فعالیت های حزب صادر نمود . در ایستادن وظیفه حوزه ها تربیت افراد با دیدی طولانی برای سرنگونی حکومت و آمادگی برای قیام مسلحانه معین شده بودند . بدنبال این قطعنامه کمیته های انقلابی در تبریز و نقاط دیگر آذربایجان تشکیل شدند . در دوران انقلاب گیلان علاوه بر تشکیلات مختلفی که حزب در گیلان سپر در تبریز بوجود آورده بود در تهران و خراسان نیز فعالیت مخفی حزب وجود داشت . در دوران انقلاب گیلان بخصوص در مرحله سوم آن حزب موفق به تشکیل اتحادیه های کارگری ، ارتش مسلح در گیلان گردید و همچنین در ژوئیه ۱۹۲۱ موفق شد " شورای دهقانان جنگل " را بعنوان اتحادیه "دهقانی دولت انقلابی گیلان" بر رهبری حیدر عمو اوغلی تشکیل دهد و صفوف ارتش انقلابی را استحکام بیشتری بخشد .
" مطابق گزارشی که سلطان زاده در پائیز ۱۹۲۱ ضمن بررسی کارهای حزب داده ، در آن وقت حزب دارای چهار

اختلاف در رهبری بخصوص در اواخر مرحله سوم انقلاب کیلان زنده است. اما در همین گزارش تعداد اعضا اتحادیه های کارگری وابسته بحزب در حدود ۴۰۰۰ تخمین زده شده است.

بعد از شکست انقلاب کیلان حزب کمونیست شروع سازماندهی مخفی کرد و توجه خود را سازماندهی در شهرها زیاد نمود و کمیته مرکزی حزب کمونیست ایران بتهران انتقال یافت. در این دوره حوزه های کمونیستی در تهران رونق گرفت، اتحادیه های زیادی تشکیل شد از قبیل اتحادیه کارگران مطابع ده رهبری نهضت کارگری را بعهده داشت، اتحادیه کفاشان، خیابازها، نساج ها، تلگرافچی ها، دارمندان پست، قارها، مستخدمین، معلمین و غیره. در این ایام در حدود ۸۰۰۰ کارگر در اتحادیه ها عضویت داشتند و فعالیت این اتحادیه ها تقریباً علنی بود.

در سال های ۱۹۲۱ - ۱۹۲۲ اعتصابات گوناگونی در ایران از آن جمله در تهران رخ داد. اعتصابات کارگران خیابازی مستخدمین پست، اتحادیه معلمین، نساجان و مطابع تهران معروف است. اعتصاب کارگران مطابع دولت را مجبور کرد که بیست روزنامه مرقی را از توقیف درآورد. در سال ۱۹۲۲ سی هزار کارگر در اتحادیه های صنفی مشکسل و بمبارزه سیاسی و اقتصادی مشغول بودند.

در آن هنگام حزب کمونیست در درجه اول در تهران، رشت، پهلوی بعد در قزوین، مشهد و برخی از شهرهای دیگر تشکیلاتی داشت و کم دامنه فعالیت حزب گسترش میافت.

اولین شکست حزب کمونیست در رشت و پهلوی بود (بعد از شکست انقلاب کیلان) تشکیلات این دو شهر متلاشی شد. عده زیادی از انقلابیون از ایران خارج شدند و عده زیادی دیگری زندانی و بتهران منتقل گردیدند. تا مدتی تشکیلات در این دو شهر وجود نداشت. در اوایل سال ۱۹۲۲ محمد آخوند زاده عضو کمیته مرکزی با مأموریت حزبی وارد کیلان شد و از نو در این دو شهر حوزه های حزبی را بر گردید و کمیته ایالتی کیلان در رشت و کمیته های شهری در رشت و انزلی شروع بفعالیت نمودند.

در سال ۱۹۲۳ کارگرهای انزلی محمد آخوند زاده را در انتخابات مجلس کاندید خود کردند. فرمانده تپ کیلان سرتیپ محمد آیرم، آخوند زاده را با عده ای از کارگران فعال اعضا حزب کمونیست (از قبیل داداش تقی زاده لیدر کارگران و سایرین) را توقیف نموده و بزندان رشت انتقال داد. خود آخوند زاده تحت الحفظ بتهران فرستاده میشود و باز برای مدتی کار حزب در انزلی فروکش میکند.

تضاد های درون دستگاه حاکمه و کوشش رضاخان (که هر روز قدرت بیشتری را در دست خود قبضه میکرد) برای جلب افکار عمومی از طریق تظاهر بآزادی خواهی و دموکراسی تسهیلاتی برای کار حزب بوجود آورد که تا اولین سرکوب حزب (تاجگذاری ۱۳۰۴ رضا خان) بطول انجامید.

بطور عمده در این دوره حزب فعالیت خود را از چند طریق زیر گسترش داد:

فعالیت وسیع مطبوعاتی، سازمان های توده ای علنی (فرهنگی، علمی، هنری) بخصوص برای تربیت هر چه بیشتر کارهای روشنفکر مسلح بمارکسیسم - لنینیسم و کار در بین جناح های سمیاتی آن زمان

۱ - فعالیت وسیع مطبوعاتی

در سال ۱۹۲۱ در تهران روزنامه "حقیقت" بدیریت سید محمد دهکان انتشار خود را آغاز کرد. در هیئت تحریریه "حقیقت" عده ای از کمونیست ها از جمله جواد زاده شرکت داشتند.

شعار این روزنامه "رنجبر روی زمین احساس" و روزنامه ارگان اتحادیه های وابسته بحزب کمونیست بود. این روزنامه در نتیجه برخورد مارکسیستی خود در تحلیل حوادث و طرح مبهم ترین مسائل عمومی مردم و سبک خاص خود که تا آن زمان در مطبوعات ایران بکار نرفته بود، بزودی یکی از کثیرا لا انتشار ترین روزنامه های مرکز شد و پس از مدت کوتاهی انتشار خود را بومیه کرد.

مطالب روزنامه "حقیقت" سبب نگرانی طبقات ارتجاعی و خود رضا خان گردید و آنرا توقیف کردند. توقیف روزنامه

"حقیقت" لطمه ای بکار تبلیغاتی و تشکیلاتی حزب زد. ولی فترت طولانی نشد پس از مدت کوتاهی روزنامه "نار"

بجای روزنامه "حقیقت" منتشر شد. در همین موقع روزنامه "پیلان" نیز صفحات روزنامه خود را در اختیار فعالین

حزب گذاشت. این روزنامه پس از اندک مدتی روزنامه ای پرتیراژ شد. در عین حال حزب دست بانشار هفتگی -

نامه "خلق" زد که در پاورقی آن "الفبای کمونیسم" چاپ میشد. انتشار این هفته نامه که داشت شکر ارکان تشویک

حزب را بخود میکرفت بعلا نا معلومی پس از اندک مدتی تعطیل شد و حزب شروع بانشار مجله او بنام "حرقة" نمود.

این محله در جمعیت ارکان شوریه حزب بود و مسائل اقتصادی، سیاسی و تشویک در آن مطرح میگردید ولی این محله هم بیشتر از دو شماره انتشار یافت. علاوه بر روزنامه های فوق در مرکز، حزب موفق شد در ایالات دیگر نیز جرائدی را در اختیار خود درآورد. مهمترین این جرائد روزنامه "پیک" رشت بود. از روزنامه های دیگر وابسته بحزب روزنامه "نصیحت" قزوین بعد از میرزا یحیی واعظ کیوانی بود که به مناسبت مقالات پر شور انقلابی خود معروفیت آن از کسادر محلی انتشارش وسیع تر بود.

۲- فعالیت در سازمان های توده ای

برای بردن افکار انقلابی مارکسیستی میان طبقه کارگر و دیگر زحمتکشان شهر و ده نشر مطبوعات حزبی کافی نبود. حزب در این مرحله بلاد را برای روشنفکر مسلح به مارکسیسم - لنینیسم احتیاج داشت و کار در سازمان های توده ای علمی و حتی ایجاد بعضی از آنها مانند گروه های فرهنگی، هنری، سازمان های زنان و غیره در برنامه کار حزب قرار گرفت. مهمترین این جمعیت ها عبارت بودند از "جمعیت فرهنگ رشت"، "انجمن پرورش قزوین" و "جمعیت دیگری در بندر پهلوی". این جمعیت ها بوسیله دادن نمایش ها، ایجاد کلاس های ادب و مبارزه با بیسوادی، کمک مادی به مدارس ملی، اعزام افراد به مدارس برای تدریس و کار در میان دهقانان و غیره با قشرهای نسبتا وسیع مردم مربوط بودند و حزب از طریق شرکت غیر مستقیم در آنها و جهت دادن بآنها قادر بود با توده های مردم پیوند برقرار نماید.

در این مرحله زنان نیز نقش ارزنده ای داشتند. جمعیت های مرقی زنان در نقاط مختلف بوجود آمد. دو جمعیت مهم آن دوره که نقش ارزنده ای در بیداری زنان ایران بازی کردند عبارت بودند از: "جمعیت پیک سعادت نسوان در رشت" و "جمعیت بیداری زنان در تهران". در هر دوی آنها بخصوص در جمعیت "بیداری زنان" حزب رهبر غیر مستقیم داشت و بکار آنها جهت میداد. از این طریق حزب قادر شد عده ای از روشنفکران را بخود جلب شد.

۳- کار در بین جمعیت های سیاسی آن زمان

پیک کار دیگر مهم حزب در این دوره فعالیت در بین احزاب و جمعیت های سیاسی آن زمان بود. برای نمونه حزب کمونیست در درون حزب "اجتماعیون" دارای فراکسیون متشکل بود و در کارهای سازمانی و اتخاذ روش آن حزب تاثیر بسزایی داشت.

از این طریق حزب توانست سازمان های حزبی در گیلان، تهران، آذربایجان، خراسان، اصفهان، قزوین، و درمانشاه بوجود آورد. اتحادیه های کارگری در این دوره بکمک حزب توسعه یافت و اتحادیه های ایران به عضویت اتحادیه های مرقی بین المللی پذیرفته شدند.

حزب موفق بتشکیل سازمان جوانان گردید و این سازمان بعد از عضو "بین الملل جوانان کمونیست" شد.

پیشرفت روز افزون حزب کمونیست رضا خان را که در صدر شالوده ریزی حکومت دیکتاتوری خود بود بوحشت انداخت و بمجرّد این که وضعش مستقر شد، کمونیست ها را هدف حمله خود قرار داد. اولین یورش پلیس رضا خان بسازمان های حزب بود از تاجگذاری او در آذر ۱۳۰۴ شروع گردید. قبل از انقراض سلسله قاجار روزنامه وابسته بحزب "نصیحت" توقیف شد و پدرش واعظ کیوانی بتهران احضار شد و شب نهم آبان (انقراض سلطنت قاجار) جلسه مجلس بقتل رسید.

از این تاریخ حزب زیر فشار دائمی پلیس رضا خان قرار گرفت و کمونیست ها تحت تعقیب مداوم پلیس بودند. از همان آغاز مسئله ارزیابی از رضا خان در داخل حزب مورد بحث بود. از نظر اکثریت بزرگی رضا خان بعنوان نماینده بورژوازی ملی تلقی گردید. در نظر این اکثریت رضا خان کسی بود که دست سید ضیاء الدین - عامل امپریالیسم انگلیس را کوتاه کرده، اقداماتی برای تقویت حکومت مرکزی بعمل آورده، راه را برای فعالیت نیروهای مرقی و حتی حزب کمونیست مسدود نساخته بود. سیاست آن روزی حزب در قبال رضا خان عبارت بود از تقویت توأم با انتقاد روزنامه "حقیقت" در کشمکش بین رضا خان و مجلس، طرف رضا خان را گرفت.

ولی عطیات بعدی رضا خان بخصوص پس از تسلط شدنش بر اوضاع، طوری بود که در مقابل حملات بی دریغی کوچکترین راهی هم برای استفاده نیروهای مرقی باقی نمیگذارد. وجود نداشتن نظر واحد در خط منی عمومی حزب موجب آشفتگی فکری شد و بدنبال آن آشفتگی سازمانی نیز آغاز گردید. در رهبری دوگانگی بوجود آمد و هیئت سه نفری که برای اداره امور سازمانی بوجود آمده بود، از طرف عده ای بوسمیت شناخته نشد و مجموعه این اوضاع منجر بتشکیل

شکوه دوم حزب کمونیست ایران گردید . و مرحله اول فعالیت حزب سائیان رسید .
حماسه‌ای فعالیت های حزب پس از دوران انقلاب کیلان نشان می‌دهد که حزب سمت مبارزه و فعالیت انجمنی را شده
باید بسی دهقانان و انحام انقلاب ارض باشد و در دوره انقلاب کیلان کام هار عطی در جهت آن بر داشته بود ،
از دست می‌دهد ، رهبری دچار اپورتونسم راست میشود ، فعالیت مسلحانه را شار میگذارد و مبارزات شهری و
مسالمت آمیز کشیده میشود .

با این که با استفاده از امکانات موجود حزب قادر میشود سازمان های خود را در شهرها توسعه دهد ولی در اولین
لحظه تغییر اوضاع و نامساعد شدن وضع در مقابل ضد انقلاب مسلح ، بی سلاح مانده انتظار عصر را از دست داده و بر
ضریات ارتجاع لطعات زیادی میبندد .

شکوه دوم حزب کمونیست ایران ۱۹۲۷ (۱۳۰۶)

با تشکیل شکوه دوم حزب کمونیست ایران (شکوه ارومیه) دوره دوم فعالیت حزب آغاز میگردد . در منظور
بالا با احتصار بشرائطی که منجر بتشکیل این شکوه گردید اشاره کردیم ، در زیر نوشتن متسم آنها را بیشتر شفافیم و سپس
بازرایی دوستند مهم شکوه می پردازیم .

مسئله اساسی شکوه تعیین موضع حزب نسبت برضا حال بود . مهمترین تعبیر اساسی بین اولین تا دومین شکوه حزب
که تشتت فکری در رهبری و غالب شدن خط منی نا صحیح جناح راست رهبری را معنی کرده بود ، عدم درک تغییرات
ژرفی بود که در اوضاع بین العلی و تناسب نیرو در صحنه جهانی بعلت بوجود آمدن و مستقر شدن جمهوری شوراهها
در روسیه بوجود آمده بود .

پیروزی های قطعی انقلاب کبیر اکبر و حکومت حوا شوروی بر رهبری لنین و استالین سیعی جهانی را در کون کرد و مواره
قوا را در صحنه جهانی بهم زد . سیاست امپریالیسم انگلستان هم تغییر کرد ، عده ای از رهبران حزب در ارزیابی از
سیاست انگلستان و در نتیجه موضع گیری نسبت به رضا خان دچار اشتباه شده و بانحراف راست کشیده شدند . تا آن
موقع سیاست سنتی امپریالیسم انگلیس در ایران و اغلب کشورهای مستعمره - نیمه مستعمره جلوگیری از تمرکز نیرو و قدرت
در دست دولت مرکزی بود . تضعیف این حکومت و تهدید آن از طریق مسلح ساختن ایلات و شوراندن آنها در موقع
لازم ، ایجاد نفاق بین خود ایلات و غیره وسائلی بود که امپریالیسم انگلیس با استفاده از آنها کنترل خود را بدولت
مرکزی تحمیل میکرد .

انقلاب کبیر اکبر موجب تغییرات بنیادی در این سیاست سنتی گردید . امید امپریالیست ها پیروزی ضد انقلاب در
داخل روسیه با شکست مواجه گردید . لشکر کشی و حمله چهارده دولت سرمایه داری بر علیه جمهوری حوا شوروی
بنتیجه نرسید . ارتش های خارجی در برخورد با ارتش سرخ از جنگ سرباز میزدند . امپریالیست ها بدین نتیجه
رسیدند که برای مبارزه با نخستین کشور سوسیالیستی جهان بنقشه ای طولانی و همه جانبه احتیاج دارند . نقشه محاصر
اقتصادی و سیاسی حکومت نوین از یک طرف و محاصره نظامی آن از طرف دیگر در دستور کار قرار گرفت .

محاصره امپریالیستی کشور شوراهها ، حکومت های مرکزی نیرومندی را دورتا دور شوروی احباب میکرد . ایران یکی از این
حلقه های محاصره و حلقه مهم آن بود . ادامه سیاست سابق و باقی ماندن ایران بشکل یک کشور از هم گسخته
که همواره دچار کشمکش های داخلی بود نمی توانست آنچنان حلقه محکمی باشد که بتواند در این زنجیر محاصره
امپریالیست ها نقش خود را بحوبی ایفا کند و منظور امپریالیسم انگلستان را بر آورده نماید . حکومت مرکزی نیرومندی
لازم بود که لاملا سر سیزده انگلیس و دشمن شوروی باشد .

تمام حوادث سیاسی ایران از کودتای سوم خوت ، اخراج سید ضیا الدین تا بتخت نشستن رضا خان میبایستی از
زاویه این اوضاع نوین و تغییر تناسب نیرو در صحنه جهانی مورد ارزیابی و مطالعه قرار گیرد و حال آن که سالی تحلیل
عده زیادی از نیروهای مرفقی و از جمله رهبری حزب همان سیاست سنتی سابق انگلیس بود .

کودتای سید ضیا الدین و نوشتن های او از جمله نزدیکی با شوروی ، دستگیری عده ای از اشراف و اعیان وابسته به
امپریالیسم انگلیس مقداری برای فریب توده ها و پروراندن سید ضیا بعنوان عامل اجرای نا مرئی سیاست جدید
انگلستان بود . ولی سید ضیا الدین شناخته تر از آن بود که بتواند چنین نقشی را عهده گیرد . از طرف دیگر
رضا خان همه گونه املان را داشت که با اخراج سید ضیا الدین نسبت بخود جلب اعتماد نماید و عامل اجرای نا مرئی

سیاست جدید ایران، تمام ریشه‌ها را از میان و بوم رسی‌ها را که از احراج سید ضیاء الدین تا ناکنداری رضا خان
شد مراحل برای قریب نیروهای مشرق و جلب اعتماد مردم بر رضا خان بود.
یکی از این صحنه سازی‌ها " لشکر کشی " رضا خان بخوزستان و نابودی " شیخ خزعل " بود. بطور مثال روزنامه " حقیقت "
هنگام بازگشت رضا خان به قزvine " من رضا و تو رضا و ملت ایران رضا " از او استقبال کرد.
بدین طریق سیاست ناصحیح نصبت رضا خان در حزب ریشه عمیق رواند و با بقدرت رسیدن رضا خان و پیر رفتن
پرده‌ها، حزب دچار تشتت فکری و تفرقه سازمانی گردید و مجموعه این حوادث منجر بتشکیل لشکر دوم حزب
کمونست ایران گردید.

مجله " ستاره سرخ " (در شماره ۴۰۳ خرداد - تیر ۱۳۰۸ - ژوئن ژوئیه ۱۹۲۹) در مورد هدف لشکر دوم مینویسد:
" عده ای از رفقا چه در ایران و چه در خارجه دچار اشتباهات شده و عقیده داشتند رضا خان بر علیه امپریالیسم انگلیس
مبارزه کرده است. ولی حقایق مسئله ای که در عرض چند سال جمع شده بود علنا مخالف این تصورات بود که موضوع
مهم لشکر دوم مسئله راجع به چگونگی رسیدن رضا خان بحکومت و عملیات سیاسی او بود."
لشکر دوم حزب کمونست ایران موفق بتحلیل صحیح اوضاع جهان و ایران شد. خطوط اصلی سیاست انگلستان را در
ایران روشن ساخت و خط مشی اساسی خود را تعیین نمود. مهمترین سند های مصوبه این لشکر تزه های لشکر تحت
عنوان " مطالعات راجع باوضاع بین المللی ایران " و " پرگرام عملیات حزب کمونست ایران " است و ما بارزیا بیسی
آنها می پسردازیم.

ارزیابی تزه های لشکر دوم حزب کمونست ایران

همانطور که قبل اشاره شد مهمترین کار لشکر پاسخ بمسائل مهم آن روز و اهم این مسائل با اهمیت سیاسی
و اجتماعی حکومت رضا خان و تعلق طبقاتی آن بود. لشکر بر اساس تحلیل اوضاع سیاسی، اجتماعی و طبقاتی ایران
و بررسی اوضاع جهانی از یک نظرگاه مارکسیستی توانست باین مسئله جواب صحیح بدهد و نظرات راست و ایورتونیستی
بعضی از رهبران را محکوم نموده و بر اساس این تحلیل برنامه سیاسی خود را تنظیم نماید. در تزه های لشکر چنین
ارزیابی شده است:

" ایران یکی از ممالک نیمه کنی است که هنوز رسماً و ظاهراً استقلال خود را حفظ کرده و در تحت تصرف دول معظمه
شرطیه دار در نیامده است. علت محفوظ ماندن این استقلال ظاهری نیز آنست که مخالفت شدیدی ما بین روسیه -
تزاری و انگلیس امپریالیست مانع از این گردید که ایران کاملاً بصورت مستعمره در آید. پس از سقوط حکومت استبدادی
روس و خارج شدن سربازان تزاری از ایران انگلیس بزودی تمام خاک ایران را بایمید تصرف و مستملکه نمودن قطعی آن
اشغال نمود. قرار داد انگلیس و ایران در سال ۱۹۱۹ قاعدتاً میبایستی بتصرف انگلیس در ایران صورت رسمی بدهد
ولی قوت و استحکام شوروی از یک طرف و توسعه روز افزون نهضت ملی انقلابی در خود ایران از طرف دیگر بریتانیا را
مجبور کرد که موقتاً از نیت خود (تصرف فوری و علنی ایران) چشم پوشیده برای رسیدن باین مقصود راه های تازه دیگری
جستجو کند. دولت بریتانیا وقتی که بعدم اعلان تصرف ایران بوسیله خشونت صرف و زور فقط یقین نرسد،
تصمیم نمود که در ایران مانند بین الشهرین و مصر دست نشانده های خود را نصب کرده و بتوسط آنها بتدریج ولسی
بطور اساسی تسلط خود را محکم نماید. دودتای سید ضیاء الدین (۲۵ فوریه ۱۹۲۱) میبایستی برای امپریالیسم
انگلستان این خدمت را انجام میداد. ولی سید ضیاء الدین خیلی زود انگلیلی علنی معروف شده وظیفه ای را که
بر عهده او واگذار شده بود نتوانست اجرا کند. باین علت انگلیس مصمم گردید که بجای او همکار و نوچه او رضا خان
را که آنوقت بلکی هویتش نا معلوم و غیر معروف بود بر قرار کند."

سپس لشکر بر اساس این تحلیل به بررسی سیاسی و اجتماعی حکومت رضا خان و تعلق طبقاتی آن میپردازد، و تـــــ
عده ای از رهبری را که معتقد بودند دودتای رضا خان " یک میدا " جدید در تاریخ ایران معاصر باز نموده " و " دودتای
رضا خان معنایتر سقوط حکومت قنودال ها و استقرار حکومت بورژوازی است " بعنوان نظریه " ایورتونیستی و ابن الوقت
ضد انقلابی " محکوم می شد.

لشکر باین تحلیل در مورد رضا خان میرسد که، رضا خان از روز اول با اتکا و بخواست سیاست انگلیس با بعرصه
وجود گذاشت. ولی برای اجرا نقشه خود رضا خان از همان اول کوشش نمود تا در داخل اجتماع ایران تئیه گاهی
پیدا نماید. عدم تعلق بطبقات حاکمه، تظاهر به آزادیخواهی و میهن پرستی، مبارزه با رژیم پوسیده فاجار که از

نظر انگلیس ها را که " تنگی و مقتضایه خود را تمام کرده بود " در حلقه اول قشرهای نسبتا وسیعی از جامعه را بسوی خود متغایل ساخت . بورژوازی ملی ایران که همواره پیر از نا لای در انقلاب مشروطیت دنبال موقعیت برای تثبیت قدرت میگشت ، در وجود رضا خان چنین موقعیتی را یافت و رضا خان با " مواعیدی که به بورژوازی ملی میداد " توانست او را بخود جلب نماید . در تزه های ککره چنین آمده است :

" رضا خان در هنگامی که برای تصرف کردن حکومت مبارزه میکرد حقیقتا کوشش نمود که به بورژوازی ملی اتلا نماید و حتی با عناصر جمهوری طلب و تشکیلات طبقه پرولتاریات نیز مغایله و عشوه فروشی می نمود اما عملیات او هیچوقت از دائره مبارزه برای تصرف حکومت در قالب رژیم فتودال و ملاکی خارج نشد ."

پس از مدتی خود رضا خان با غضب مقدار زیادی از املاک وسیع بدل بزرگترین مالک ایران گردید و " باین طریق مظهر اراده این مرتجع ترین طبقات گردید . طبقه مذکور هم بنوبه خود تئیه گاه امید بخش سلسله جدید میباید ."

بورژوازی ملی که امیدواری هایش برآورده نشده بود از رضا شاه جدا شد ولی جدا شدن بورژوازی ملی بمعنی جدا شدن تمام بورژوازی نبود . بورژوازی کمیرادور که همواره چه هنگام کشمکش برای رسیدن بقدرت و چه بعد از بقدرت رسیدن رضا خان از او حمایت میکرد بمثابه یکی از تئیه گاه های او باقی ماند . علت چنین امری رشد ویژه بورژوازی کمیرادور در اقتصاد ایران بود . با جلب ایران ببازار بین المللی سرمایه که در قرن ۱۶ - ۱۷ کم در حال تشیل و رشد بود و بخصوص ایجاد راه آهن در شمال ایران و اتصال آن بروسیه تزاری که در پروسه رشد سرمایه داری بود ، شرائطی را ایجاد نمود که مواد خام صنعتی و محصولات زراعتی ایران ببازار وسیع روسیه صدور یافت . معاملات تجارتی بسرعت زیاد ترقی کرد و بورژوازی کمیرادور که دلال سرمایه خارجی بود در اثر معامله با سرمایه داران روسیه و انگلستان ، صدور مواد خام صنعتی و محصولات کشاورزی باین کشورها و فروش آنها در بازار ایران ضایع هنگفتی عایدش شده سرمایه اضافی که از این راه در دست بورژوازی کمیرادور انباشته میشد راه استفاده نداشت . وجود شدید رقابت صنایع خارجی از یک طرف ، وجود مناسبات عقب مانده فتودالی از طرف دیگر شرائط مساعدی بسودی برای سرمایه گذاری داخلی نبود . در نتیجه عناصر زیادی از قشر بورژوازی کمیرادور سرمایه خود را متوجه خرید املاک کردند . بدین ترتیب این قشر هم از سود حاصله از استثمار فتودالی و هم از سود حاصله از دلالی سرمایه های خارجی بهره مند میشدند . لذا این قشر از بورژوازی در حفظ اصول فتودالی نیز دینفع بود . در تزه های ککره چنین آمده است :

" رضا خان توانست با مهارت اساس رژیم ملاکی و فتودالی با کمک و مساعدت طبقه فوقانی بورژوازی محکم نماید برای رضا خان این مسئله از آن جهت بآسانی صورت گرفت که در مدت ده بیست سال اخیر در ایران بورژوازی فوقانی تجارتی با شدت تمام سرمایه خود را در خریدن املاک صرف نموده و بکار انداخته ، چرا که آنها نیز از امتیازات و حقوق فتودالی استفاده کرده و بیشتر از معاملات تجارتی و صنعتی مداخل میبردند . بدین ترتیب طبقه اعلای بورژوازی ایران خود بحفظ مالکیت و رژیم مصلوب بودن حقوق سیاسی که استثمار بیرحمانه دهاقین را تأمین میشد علاقمند میباید ."

در نتیجه شکره بدرستی ماهیت و وابستگی رضا خان را بطبقات فتودال ها - اعیان و اشراف روحانیون - بورژوازی کمیرادور و امپریالیست ها (انگلیس) افشا نمود .

ککره بنظرنا صحیح دیگری که در درون حزب وجود داشت مبنی بر این که لاری که رضا خان کرده است صرفا یک کودتای درباری بوده است و هیچگونه محتوی طبقاتی نداشته جواب میدهد و آنرا رد میکند در تزه های ککره چنین آمده است :

" ... نیز اشتباه محض است اگر کودتای رضا خان را مانند یک کودتای درباری تصور نمود . این کودتا دنباله و نتیجه مبارزه بزرگ در داخل طبقه فتودال و بعد مبارزه طبقه حاکمه ملاکین برضد کوشش بورژوازی برای داخل شدن در حکومت و بالاخره مبارزه فتودال ها و طبقات فوآنی بورژوازی برضد نهضت های انقلابی و تشکیلات انقلابی میباشند ."

ککره دوم حزب نمونیت ایران موفق میشود در یک سری از مسائل حیاتی انقلاب ایران بموضع گیری صحیح برسد . اهم این مسائل عبارتند از :

۱ - تشخیص درست مرحله انقلاب ایران :

بنا بشر فوق حزب نمونیت ایران اولین وظیفه خود را محور رژیم فتودال و روحانیت ، اخراج لامل امپریالیسم انگلیس از ایران و مبارزه برای استقلال لامل مملکت قرار میدهد . " تجربه مبارزات سال های اخیر دهاقین ایران در راه

منافع خود با و نشان داد که تنها طریق این مبارزه عبارت از انقلاب زراعتی است . انقلاب زراعتی در شرائط حاضر ایران لازمه اثر محو انحلال لامل بقایای فتودالیسم و حکومت روحانیت

و در مزارع و روستاها و مناطق وسیع ایران است .

۲ - تشخیص صحیح نیروی عمده انقلاب : " در ایران معاصر طبقه‌ای که عمده‌اش از همه بیشتر است عبارت از طبقه ده‌اقین است . ده‌اقان در انقلاب آینده این سرزمین را به ریل فوی العاده مهمی را بازی خواهد کرد . وضعیت سیاسی و اقتصادی ده‌اقین ایران پیرامون نای رضاخان رو به بدتری گذاشت ، فقط قسمت بی اندازه کم ده‌اقین متغول ایران که منافعتشان با سرمایه صراف و ربا خواری جدا می‌باشد به حفظ رژیم رضا خان ذی‌علاقه می‌باشد . زیرا که این رژیم بیشتر از رژیم سلطنتی فاجار مصالح آنها را حمایت می‌کند . ولی اثرات قاطع توده ده‌اقین یعنی اثرات قاطع اهالی ایران معاصر بانقضای فوری مالکیت و کلیه رژیم سلطنت شاهانه علاقمند است . "

۳ - تشخیص صحیح نیروهای محرکه انقلاب و نیروهای ضد انقلاب در ایران : " ... در ریت طرف طبقات حاکمه امروزی مالکین و طرفداران ایشان و شرکایشان یعنی قسمت فوقانی بورژوازی ملی صف آرائی کرده و در طرف دیگر کارگران ، ده‌اقین صنعتگران ، کسبه ، بورژوازی کشور و قسمت اعظم بورژوازی متوسط "

۴ - تشخیص درست راه انقلاب ایران : " رژیم رضا شاه پهلوی امروز یک مانع عمده و اساسی برای پیشرفت دموکراسی ایران و تأمین کردن استقلال حقیقی آن در برابر امپریالیسم انگلیس می‌باشد . کلیه مبارزات کارگران و ده‌اقین برای دفاع منافع خود در مقابل رژیم استبدادی و استثمارنا محدود پیوسته مصادف با تعقیب و مجازات شدید از طرف رضاخسان می‌شود . و در مواقع مشکله بخصوص از طرف امپریالیسم انگلستان نیز سلطنت پهلوی علناً کمک می‌کند (شورش خراسان) . این قلع و قمع ها و قصابیها بایستی آخرین اشتباهات را راجع بامکان ترقی صلح آمیز مبارزه طبقاتی در ایران محسوب نماید . "

۵ - تألیف صحیح بلزوم اتحاد بین کارگران و ده‌اقان و رهبری پرولتاریا و حزب آن در انقلاب :

" برای اجرا و پیشرفت فاتحانه انقلاب زراعتی مبارزه کردن ده‌اقین بپتلهائی و منصرف کردن حکومت بدست خود در دهات و ضبط و تقسیم اراضی اربابی بین خود کافی نبوده بلکه لازم است که ده‌اقان با داشتن اتحاد محکم با طبقات انقلابی شهرها (کارگران ، صنعتگران و بورژوازی کوچک) مبارزه خود را اجرا نمایند . تجربه شورش های اخیر زارعین ایران نیز نشان داد که کارگران ، صنعتگران نه فقط در مبارزه انقلابی بآنها کمک می‌نمایند بلکه بنهضت های ده‌اقانی متفکرین "ایدئولوگ های" می‌دهند . لازم است که در آینده انقلاب ایران در تحت رهبری فکری و تشکیلاتی پرولتاریات (رنجبران) تشکیل یافته و توسعه یابد . "

۶ - توجه بی‌سبب و تحلیم حزب از طریق مبارزه با اپورتونیسم و فرمیسیم و توجه بیگانگی حزب و پیوند فشرده حزب با توده ها :

" درس و تجربه سیاسی که از مسئله کودتای رضا خان گرفته میشود عبارت از آن است که این کودتا مخصوصاً رژیم سیاسی که بعد از آن برقرار گردیده هر تصور واهی را راجع بامکان یک ترقی صلح آمیز مبارزه طبقاتی در ایران بر طرف نموده است . " ... تاریخ در جلو حزب کمونیست ایران وظایف و مسئولیت های سنگین و مهمی را قرار داده است . مهمتر از همه این وظایف تهیه و رهبری انقلاب فاتحانه زراعتی است . برای این مقاصد حزب موظف است که تمام قوای خود را که عبارت از پیشقراولان پرولتاریات است جمع آوری نموده تشکیلات و حوزه های خود را از نو با فعالیت کامل بکار انداخته و روابط آنها را با طبقه کارگر و صنعتگران و ده‌اقین فقیر محکمتر نماید . "

حزب بایستی تمام وقت و کوشش خود را بر آن صرف کند که از جاده حقیقی اصول لنینی خارج نشده و در خط سیاسی خود دارای افکار روشن و قاطع باشد "

۷ - برخورد صحیح بمسئله ملی و تألیف روی حزب واحد کمونیستی :

" در داخل ایران حالیه یک سلسله ملل مختلف (عرب ، ترک ، ترکمن ، کرد و غیره) زندگی میکنند که زحمتهای آنها در حقیقت از دو طرف زیر فشار ، استثمار و ظلم واقع شده اند . از یک طرف اشراف و فئودان ها و رؤسای طبقاتی خودشان بآنها تعدی و اجحاف نموده و از طرف دیگر فشار و تعدیات سلطنت انگلیس و رضا شاه ایشان را در زیر بار شکست خود قرار داده و کمترین مقاومت را از جانب آنها خاموش و خفه می‌کنند . حزب کمونیست ایران باید نسبت باین ملل وقت و توجه کافی بعمل آورده و تشکیلات خود را در میان توده زحمتکش این ملل تأسیس و مستحکم نماید . حزب موظف است که بطور کامل و کافی باین ملل بفهماند که حزب کمونیست ایران یگانه طرفدار آزادی کامل ایشان از تحت فشار ظلم سلطنت رضا شاه و انگلیس که مسبب اصلی اسارت و مظلومیت زحمتکش ملل کوچک و بزرگ ایران هستند میباشد . فقط از راه توحید تمام قوا و جدیت کارگران ، ده‌اقین و مظلومین همه ملل که در سرزمین ایران زندگی میکنند

ما متواسیم باین ارتعاج نبره و اسارت حاکمها حالت بدسیم " حزب کمونیست ایران با مداخلات و شعار عمومی
نظام احزاب کمونیستی درباراع مسئله طیت یعنی شعار خود هر طقت با استقلال کامل خود حتی محرا شد از حکومت
مرکزی را جزو پروگرام خود قرار داده و موافق آن اقدام نماید .

۸ - بر خورد مسئله "انترناسیونالیسم"

"کلیه عملیات حزب کمونیست ایران باید کاملاً با وضعیت بین‌المللی مطبقت مربوط باشد . در وضعیت بین‌المللی در سیم
را مضامینات بین ممالک سرمایه داری و اتحاد جماهیر شوروی باری میشود . در اول سرمایه دار که در رأس آنها دولت انگلیس
قرار گرفته ، پیوسته خود را برای جنگ بر علیه اتحاد شوروی حاضر کرده و همه ممالک خود را در این راه بکار خواهد برد .
سلطنت را بر ضد اتحاد جماهیر شوروی داخل جنگ شد . بدیهی است که وظیفه حزب کمونیست ایران آن است که بر ضد
اقدامات امپریالیسم انگلیس در جلب ایران بیک ماحرای خونین مبارزه کند " هیچکدام از این دستجات برای
رهبری نهضت انقلابی قابل نیستند . بر عکس حزب کمونیست ایران با انکا " و مساعدت بین‌المللی کمونیستی قادر است
که موقعیت و کیفیت زد و خورد های انقلابی را پیش بینی کرده ، مطابق آن شعارهای لازم سیاسی انتخاب نماید و برای
تأمین فتح تشکیلات خود را تهیه نماید .

در این تر حزب کمونیست بد رستی روی مساعدت اندولژیست سیاسی بین‌المللی تأکید میکند ولی دارای ضعف در حضا
دیگر است و آن عدم تأکید روی اصل انکا " نیروی خود و یافتن شعارهای سیاسی از طریق تلفیق مارکسیسم - لنینیسم به
شرائط منحصر جامعه است . رفیق مائوتسه دون میگوید " خلق های ستمدیده در پیکار برای آزادی کامل خود باید تحت
بمبارزه خود و فقط آنگاه بملک بین‌المللی انکا " کند .

۹ - طرح مسئله "جبهه" واحد بشکل همکاری (کارگران - دهقانان - بورژوازی کوچک) در حزبی بنام "حزب
انقلابی ملی ایران " . شکره این طرح را بدلائلی بعنوان وظیفه "سرم خود مطرح نمیکند .

" . . . در ایران مقدمات عمومی تأسیس حزب انقلابی ملی موجود است اما نه این که این موضوع را از مسائل بومیه
شمرده و در اجرای آن فوری داخل اقدامات شده ، حزب کمونیست ایران حالا هنوز بسیار ضعیف بوده و فکر ایجاد
حزب انقلابی ملی ممکن است آلت استفاده عناصر مخالف واقع شود " و در نتیجه عملاً این طرح بعد از شکره اجرا شد .
" حزب بایستی با جدیت و پشتکار برای ایجاد رابطه با همه تشکیلات موجود کارگران ، دهاقین ، صنعتگران ،
و هدا دستجات انقلابی بورژوازی کوچک کوشش نموده و این روابط را با اصول تشکیلاتی مستحکم نماید . در زمینه
پروگرام انقلابی معین در تشکیلات فوق دستجات چپ تشکیل داده و بعد توسط همین دستجات که باید رل فراکسیونهای
مخصوص را بازی کنند و با احتیاط ولی پشتکار فوق العاده برای ائتلاف آن تشکیلات انفرادی کوشش نموده اول آنها را در
شکل ائتلاف های موقتی و بعد بشکل ائتلاف های منمادی و دائمی انقلابی در آورده بالاخره پس از تهیه مقدمات اساسی
تشکیلاتی و سیاسی و مسائل تأسیس حزب ائتلافی یعنی حزب انقلابی ملی ایران را فراهم آورد .

" . . . حزب کمونیست ایران تشکیل یک چنین حزبی را باید در صورت موجود بودن شرائط ذیل جزو مقاصد خود قرار
دهد :

۱ - حزب انقلابی ملی ایران باید حزب اتحاد انقلابی کارگران و دهاقین و بورژوازی کوچک باشد .

۲ - اساس آن باید تشکیلاتی باشد که حزب کمونیست ایران در آن رل رهبریت را بازی کند .

۳ - این حزب باید بر ضد استقلال سیاسی و تشکیلاتی حزب کمونیست ایران دست اندازی و اقدامات نموده

برای تنقیدات او از اشتباهاتی که در مبارزه انقلابی میشود وی را بمصیقه نیاندازد .

حزب کمونیست در این مورد همه حانه مسئله را ندیده است . او از جبهه " واحد وسیع در مرحله " اعلام دموکراتیک فقط
اتحاد اول را یاد آور میشود (اتحاد کارگران - دهقانان و حرد بورژوازی) و آنرا بجای جبهه " واحد میگذارد و اتحاد
دوم یعنی پرولتاریا - با بورژوازی ملی توحشی ندارد . در تر حزب کمونیست بد رستی روی اتحاد اول و تقویت
آن تکیه شده است ، زیرا بدون ایجاد اتحاد اول و تقویت نیروهای مرفقی جبهه " واحد یعنی کارگران و دهقانان نمیتوان
بورژوازی ملی را مجبور بشرکت در جبهه " واحد کرد .

۱۰ - شکره در ترهای خود قیام های آن سال ها را مورد ارزیابی قرار میدهد و نتیجه میدهد :

" از همه این شور شما یک تجربه و درس بدست آمده و آن این است که این شور شما بدون جبهه " واحد و بدون دسته بندی منظم
و بدون رهبریت و ارتباط با فرق انقلابی بظهور آمده اند . حزب کمونیست ایران با چنین تأسیس وضعی از ظهور " جبهه "

اهداف افراد، حلوتی و سوده همه قوای اقتصادی رخصتشان را نه در عاظ مختلف افراد ا مبارزه میبندند بلك سبب عمومی
 انرژی متحد سوده ارجاع شاه و انگلیس را محو کرده جنوب رخصتشان را صفر نماید . علاوه بر این تحریمات
 حمد سال اخیر و مبارزات دهها قس در راه صانع خودشان حقوق سوده ملت میباشد كه طریق واحد این مبارزه فقط انقلاب
 داخلی است . همه این تدبیر ها و قربانی ها برای ما در سر جنوب سوده نكات دلی را در دماغ ما حایكیر ساخته اند .
 ۱ - برای فتح و توسعه اعدت رراعتی تنها مبارزه دهها قس جهت بدست آوردن اقتدارات سیاسی در دهات و تصرف
 زمین های اربابی ذاتی نیست ، بلكه برای این مقصد مساعدت اعداسون شهرار واحیات درجه اول میباشد . ۲ - نهجیت
 انقلابی در شهرها رواسی سوده بانقلاب خواهد شد كه نوده لارگران ، صنعتگران و ورژواری كوچك آنها تقویت نمایند .
 ۳ - لارگران و صنعت گران به این كه دهها قس در راه مبارزه انقلابی مساعدت كرده و میکنند بلكه اغلب فائدين آنها
 هم از میان لارگران و صنعتگران در آمده اند . ۴ - بلكی دیگر از شرائط فتح انقلاب رراعتی انتشار افكار انقلابی در میان
 قشون و ظرفداری قشون از انقلابیون است .

شكره دوم حزب کمونیست ایران یکی از صفحات درخشان و مهم مبارزات اقتصادی طبقه لارگر ایران است . این شكره با
 بر خوردی عمیق فعالیت های چند ساله حزب در بسیاری از مسائل استقاهات نمود را باز شناخت و منشی صحیح در پیش
 گذارد . شكره توانست وحدت ایدئولوژیت ، سیاسی و تشکیلاتی سینا محلی بوجود آورد . همانطور كه از تزه های آن
 نتیجه میشود حزب قادر شد مرحله انقلاب ، نیروی عمده ، انقلاب ، نیروهای محره ، انقلاب ، راه قهر آمیز مبارزه تحت
 رهبری حزب برای كسب قدرت حاكمه ، و اهمیت اتحاد لارگران و دهقانان ، حل صحیح مسئله ملی و مبارزه علیه
 ابورتونیسم و رفرسیسم در درون حزب را تا اندازه زیادی باز شناسد . مهمترین دست آورد این شكره تعیین تهیه و
 رهبری انقلاب مائتانه رراعتی بمثابة مهمترین وظیفه حزب بود . اما شكره در يك مسئله عمده دارای كمبود بود و آن
 عدم درك راه محاصره شهرها از طریق دهات بود كه از خصلت نیمه مستعمره و نیمه فئودال جامعه ایران ناشی میشود .
 ككره در حقیقت عمیقا به مسئله رشد نا موزون انقلاب در ایران ، مسئله ایجاد پایگاه های روستائی و پیشرفت مون وار
 انقلاب دست نیافت . بهمین علت در تزه های ككره جهت احیا سازمان های حزبی بین كار در شهر و ده حد فاصلی
 تعیین نمیشود و سمت كارها بدرستی معین نمیکرد . در حالی كه حزب میبایستی در این زمان ، سمت فعالیت های
 خود را انتقال ثقل خود بروستا بگذارد ، توجه بیشتری بكار در میان پرولتاریا و در شهر ها دارد .

فعالیت های حزب پس از شكره دوم تا سرلوب حزب ۱۹۳۱

پس از شكره دوم حزب موفق شد سازمان های خود را در بعضی از نقاط كشور گسترش داده و تقویت نماید .
 برای كار در میان جوانان ، دهقانان ، ارتش ، زنان و غیره از طرف کمیته مرکزی مسئولین انتخاب گردیدند .
 سازمان جوانان حزب را بر گردید و از طریق ایجاد اتحادیه های محصلین و كارهای فرهنگی دست بفعالیت نسبتا وسیعی
 زد . در تهران اتحادیه محصلین نفوذ زیادی در مدرسه دارالفنون و طب بدست آورد و توانست اعتصاب مهم سیزده
 روزه شاگردان دارالفنون را در سال ۱۳۰۶ رهبری نماید . در تهران از طریق اتحادیه های محصلین كلاس اكابر و رفع
 بیسوادی تشكيل شد . حزب موفق شد تا اندازه ای در ارتش نفوذ كند و روابطی برقرار نماید .
 عمده و مهمترین فعالیت حزب در بین لارگران بود در دو نقطه تمرکز كاركری ایران در آنوقت ، صنایع " نفت جنوب " و
 صفهان حزب تشکیلات مخفی خود را گسترش داد .

فعالیت در جنوب

اتحادیه لارگران نفت جنوب در سال ۱۹۲۵ با كمك برخی از فعالین حزب بوجود آمده بود ولی فعالیتی از خود
 نشان نمیداد . در نتیجه حزب در سال ۱۹۲۷ در صدور ایجاد تشکیلات مخفی میان لارگران نفت جنوب برآمد و سازمان
 سینا محلی ایجاد نمود . در اواخر سال ۱۹۲۷ از طرف این سازمان در اثر اقداماتی كه انجام شده بود شفرانس
 مخفی اتحادیه های لارگری با شركت ۲۰۰ نفر نماینده تشكيل شد . شفرانس تصمیم گرفت بر علیه اختلاف و نفاق كه
 كمپانی نفت در میان لارگران انداخته مبارزه نموده و لارگران را برای مبارزه متشكك نماید و سازمان خود را توسعه دهد .
 در اواخر ژانویه ۱۹۲۹ (۱۳۰۷) در اثر اقدامات کمیته ایالتی حزب دومین كفرانس اتحادیه های لارگران نفت جنوب
 تشكيل شد . مطابق مندرجات محله " ستاره سرخ " " عده اعضا " اتحادیه در آنوقت سه هزار نفر بود . كفرانس علاوه
 بر تصمیمات تشکیلاتی مثل بسط سازمان و غیره بلك رشته تصمیمات سیاسی نیز اتخاذ نمود از جمله ، تجدید نظر در امتیاز
 نفت جنوب ، اعتصاب در اول ماه مه و غیره .

کمانی موفق شد جریان اعتصاب را قبل از اول مه کشف نماید و در ۲۹ آوریل شبانه ۹۳ نفر از فعالین کارگران عضو اتحادیه را توقیف نمود و در نتیجه اعتصاب اول ماه مه عظیم ماند. ولی کارگران نتوانستند روز ۴ ماه مه اعتصاب بزرگ خود را که در حقیقت نخستین اعتصاب بزرگ کارگران ایران بود و تأثیرات زیادی روی آگاهی کارگران گذاشت صورت دهند.

فعالیت در اصفهان

حزب توانست تشکیلات مخفی خود را در اصفهان گسترش دهد. بیشتر فعالیت در اصفهان در بین کارگران نساجی بود. در ماه مه ۱۹۳۱ چهارصد نفر از کارگران بزرگترین کارخانه نساجی آنوقت اصفهان کارخانه "وطن" متشکل شده و درخواست های ۱۳ گانه خود را از جمله اضافه دستمزد، تقلیل ساعت کار روزانه از ۱۲ ساعت به ۸ ساعت پیش گذاشتند. کارفرمایان درخواست های کارگران را رد کردند ولی بر اثر اعتصاب و مبارزه بالاخره کارفرمایان مجبور به عقب نشینی شدند و کارگران به پیروزی رسیدند.

حزب در نقاط دیگر از جمله خراسان - گیلان و قزوین نیز فعالیت داشت. باختصار در زیر خراسان و گیلان را شرح میدهم:

فعالیت در خراسان

در اواخر سال ۱۹۲۸ رفقای برای کاربان سامان فرستاده شدند و کم تشکیلات خراسان مخصوصا مشهد رونق گرفت. طی مدت دو سال نهضت اتحادیه ای در شرائط مخفی رشد نمود. مرکز فعالیت حزب در بین کارگران قالی - باف بود. تشکیلات جوانان نیز در خراسان بوجود آمد.

در مشهد کمیته ایالتی خراسان مجله ای با دست نوشته بنام "کمونیست" منتشر میکرد. در این مجله مسائل سیاسی و تئوریک مطرح میگردد و در سال چندین شماره منتشر میشد.

در پائیز سال ۱۹۳۰ تشکیلات خراسان دو لاندید، عبدالحسن دهزار (حسابی) و علی اکبر فرهودی کارگر قالی - باف را برای انتخابات مجلس کاندید کرد. علی رغم شرائط مشکوک و ارتجاعی این دو لاندید صدها رأی آوردند. بعد از این جریان پلیس متوجه فعالیت کمونیست ها در خراسان گردید و شروع بدستگیری کارگران نمود.

فعالیت در گیلان

در سال ۱۹۲۷ فعالیت کمونیست ها در گیلان شکل گرفت. اتحادیه های زیادی در گیلان بوجود آمد از قبیل اتحادیه حللی سازها، کارگران انبار نفت، کلاه دوزها در رشت. در رشت و پهلوی سازمان جوانان کمونیست تشکیل شد و مشغول فعالیت گردید. در سال های ۲۷ - ۲۸ بین دهقانان اطراف شهر، بین رشت و پهلوی، رشت و فومن و سایر دهات اطراف شهر رشت فعالیت شد اما این فعالیت مرتبط، مرتب و همگانی نبود. حزب موفق بتشکیل اتحادیه های جدید و تقویت اتحادیه های موجود در بندر پهلوی شد.

بعواضات کار در داخل کشور در خارج نیز سلطان زاده از طرف کمیته مرکزی دست بایجاد مرکزی در اروپا زد. تحت نظر این مرکز روزنامه "پیکار" در برلن و مجله "ستاره سرخ" در وین منتشر میشد.

بعد از تاجگذاری رضا خان، اولین سرکوب تشکیلات کمونیستی آغاز گردید و با رشد قدرت حزب دانه سرکوبی وسیع شد. در ۱۷ خرداد ۱۳۱۰ قانون تنگین ضد کمونیستی را وضع کردند و بدین وسیله زمینه را برای سرکوب قطعی حزب بوجود آوردند. در همان سال پلیس سازمان حزب دست یافت و اکثر اعضا کمیته مرکزی زندانی شدند و بدین ترتیب کمیته مرکزی و سازمان حزب در ایران متلاشی گردید.

چرا حزب کمونیست با تمام فداکاری های اعضا و هواخواهانش موفق نشد که نیروهای خود را حفظ کند و آنرا بسط و توسعه دهد؟ چرا در مقابل یورش ارتجاع تشکیلاتش در هم شکسته شد و امکان هیچگونه مانوری را در مقابل دشمن نداشت؟ در برخورد به تزه های شکره دوم یار آور شدیم که حزب با تمام موفقیت بزرگش در شکره دوم قادر نشد براه مشخص انقلاب در کشورهای نیمه مستعمره - نیمه فئودال، یعنی راه محاصره شهرها از طریق دهات پاسخ گوید. با این که شکره دوم حزب کمونیست ایران در همان سالی تشکیل میشود که رفیق مائوتسه دون راه عمومی رهائی خلق های کشورهای آسیا، آفریقا و آمریکا لاتین را با قیام درو پائیزی و کشاندن مبارزه بمناطق روستائی و برقراری پایگاه های انقلابی در آنجا نشان میدهد، مع الوصف حزب کمونیست ایران قادر نیست بدستی تجربیات گذشته مبارزات انقلابی خلق های ایران و تجربه ویژه خود را جمع بندی کند و راه محاصره شهرها از طریق دهات را در پیش گیرد. علت عمده شکست حزب را باید در این موضوع جستجو کرد.

★ بهتر کردن "توده" بستگی کامل به پشتیبانی خوانندگان انقلابی آن دارد. امیدواریم که با ابتکار خود بتوانید بما از لحاظ معنوی کمک کنید. اخبار و اطلاعات برای ما بفرستید. از ما انتقاد کنید. نظر بدهید و نظر بخواهید.

خواننده! این نشریه متعلق شماست. نظرات و انتقادات خود را حتما برای ما بفرستید. از اوضاع محل کار خود و اخباری که از گوشه و کنار میشنوید ما را با خبر سازید. پس از خواندن در صورت امکان نشریه را به آشنایان و دوستان خود بدهید. همچنین ما را با کمک مالی خود یاری دهید.

نشانی
توده و ستاره سرخ
Mme PAOLA DI CORI
C. P. 493 S. SILVESTRO
ROMA
ITALY

آدرس ما
Laura Hegel
Banca Popolare
Svizzera
414. 595. 2793
LUGANO-SUISSE

بد تذکر مهم:

- ۱- این آدرس برای تماس تشکیلاتی نیست.
- ۲- از کلیه کسانی که با ما مکاتبه میکنند خواهش داریم از بردن نام خود، مشخصات خود و باطرح کردن مطالبی که از لحاظ مخفی کاری ضرر جنبش است، خودداری نمایند. زیرا امکان بازرسی پست ما و کنترل آن توسط پلیس زیاد است. ولی این بدان معنی نیست که از طرح انتقادات و پیشنهادات خود پرهیز کنید. هر مطلب سیاسی و اطلاعاتی را که جنبه تشکیلاتی نداشته باشد، میتوانید به آدرس بالا ارسال دارید.

* * *

انقلاب قهرآمیز را در باطن خلق های ایران است